

مقدمه‌ای بر چارچوب مفهومی حقوق مالکیت از منظر اقتصادی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	۱. مالکیت و حقوق مالکیت: چارچوب مفهومی
۱۰	۲. حقوق مالکیت و آثار آن بر اقتصاد
۱۷	۳. حقوق مالکیت باید توسط چه کسی تأمین شود؟
۱۹	۴. اندازه‌گیری حقوق مالکیت
۳۰	منابع و مآخذ



مقدمه‌ای بر چارچوب مفهومی حقوق مالکیت از منظر اقتصادی

چکیده

یکی از دغدغه‌های موجود در رویکردهای اقتصادی قرن حاضر، مسئله مالکیت و نحوه تأمین آن در جامعه است و زیربنای یکی از مهمترین مکاتب اقتصادی (نهادگرایان)، که خاستگاه چندین نوبلیست اقتصاد هم بوده، مسئله مالکیت و اهمیت تأمین حقوق مالک در جامعه است.

برقراری امنیت برای مالکیت از دید اقتصاددانان سبب ایجاد انگیزه برای افراد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی شده است که ریسک فعالیت‌ها را در جامعه کاهش خواهد داد. با کاهش هزینه‌های مبادله و نااطمینانی، انجام مبادله سهل‌تر شده و از این طریق انجام فعالیت‌های اقتصادی در جامعه رونق می‌گیرد.

در این نوشتار به بیان و تشریح مفهوم حقوق مالکیت پرداخته و اهمیت آن را در عقاید اقتصادی بررسی کرده‌ایم. علاوه بر این چگونگی تأثیر حقوق مالکیت بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون انباشت سرمایه، سرمایه‌گذاری، تجارت، رشد و توسعه اقتصادی تشریح شده و نیز شاخص‌های اندازه‌گیری جهانی برای حقوق مالکیت در این نوشتار معرفی و جایگاه ایران در دنیا مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های موجود در رویکردهای اقتصادی قرن حاضر، مسئله مالکیت و نحوه تأمین آن در جامعه است؛ به‌گونه‌ای که زیربنای یکی از مهمترین مکاتب اقتصادی (نهادگرایان) که خاستگاه چندین نوبلیست نیز بوده، مسئله مالکیت است. از دید اقتصاددانان، برقراری امنیت برای حقوق مالکان سبب ایجاد انگیزه برای افراد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که تأمین حقوق مالکیت در جامعه، ریسک فعالیت‌های اقتصادی را کاهش داده و با کاهش هزینه‌های مبادله و نااطمینانی، سبب تسهیل و رونق فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد، اما شناخت اهمیت و تأثیر علی یک متغیر شاید مرحله اول یک پژوهش اقتصادی باشد؛ به‌گونه‌ای که پس از شناخت مفهومی و علی آن، باید به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه حقوق مالکیت را در جامعه برقرار

کنیم؟ یا آنکه، متغیر حقوق مالکیت چگونه و با چه فرآیندی بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ آیا مطالعات تجربی نیز فرضیه تأثیرگذاری حقوق مالکیت بر فعالیت‌های اقتصادی را تأیید می‌کند؟ در این نوشتار به دنبال پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته خواهیم بود. از این‌رو ابتدا راجع به مفهوم مالکیت بحث کرده و نشان خواهیم داد که چگونه حقوق مالکیت بر متغیرهای اقتصادی اثر خواهد داشت. پس از آن، به این سؤال پاسخ می‌دهیم که چه کسی باید حقوق مالکیت را در جامعه تأمین کند؟ در ادامه مهمترین شاخص‌های نشانگر حقوق مالکیت را معرفی کرده و جایگاه ایران را در مقایسه با کشورهای دنیا بررسی خواهیم کرد.

۱. مالکیت و حقوق مالکیت: چارچوب مفهومی

این بخش با عنوان اولین قسمت از سلسله مباحث این نوشتار، راجع به معرفی مفهوم مالکیت و حقوق مالکیت خواهد بود. برای شناخت این مفهوم ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که اهمیت حقوق مالکیت از چه زمانی شناخته شد و نگرش‌های مهم اقتصادی درخصوص این مفهوم چه موضعی دارند. پس از پاسخ به این مسئله، به تشریح و تعریف حقوق مالکیت می‌پردازیم.

۱-۱. حقوق مالکیت در سیر نگرش‌های اقتصادی

حقوق مالکیت فردی، ۱۱ هزار سال پیش و از همان زمانی که انسان به رام کردن حیوانات، شکار و کشاورزی پرداخت، به رسمیت شناخته شده است.^۱ باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که کشاورزی قبل از ظهور حقوق مالکیت فردی وجود نداشت، زیرا کشاورزی موفق، مستلزم به رسمیت شناخته شدن چنین حقوقی بود (Braindwood and Willy, 1962:343). از این‌رو از زمانی که انسان‌ها به کشت و زرع پرداختند، تلاش برای حفظ مالکیت دارایی‌ها در آنها شکل گرفت و در طی سالیان متمادی متبلور شد. بنابراین اهمیت تضمین حقوق مالکیت همواره در بطن جوامع ابتدایی وجود داشته و تلاش انسان‌ها در ادوار مختلف در راستای کسب دارایی‌های بالاتر و به دنبال آن حفظ و تضمین مالکیت آنها بوده است، اما مباحث نظری در باب اهمیت حقوق مالکیت از اواسط قرن شانزدهم رونق گرفت و اندیشمندان نگرش‌های خود را در مورد معایب و منافع تضمین حقوق

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد روند شکل‌گیری مالکیت اولیه مراجعه کنید به:

Eaton B. Curtis and William D. White, The Distribution of Wealth and the Efficiency of Institutions, Economic Inquiry, 35:2, 1991, PP. 336-50. And Sugden Robert the Economics of Rights, Cooperation and Welfare Oxford: Basil Blackwell, 1986.



مالکیت اعلام کردند. شاید بتوان گفت جان لاک^۱ اولین فردی بود که از منظر نظری به بیان اهمیت حقوق مالکیت پرداخت. پیش از آنکه جان لاک در سال ۱۶۹۰ کتاب «دو رساله درباره حکومت» را به نگارش درآورد، این نگرش حاکم بود که مالکیت چیزی است که به صورت انحصاری به وسیله دولت ایجاد می‌شود. لاک نظریه‌ای هنجاری و نظریه‌ای درباره تکوین حقوق مالکیت ارائه داد و استدلال کرد که مالکیت، منشأ دولت بوده و در نتیجه دولت، هدفی بجز حفاظت از آن ندارد به عبارت دیگر وی اعتقاد داشت که مالکیت و حقوق مالکیت، پیش از به وجود آمدن دولت نیز وجود داشته است. پس از لاک، آدام اسمیت^۲ نیز یکی از افرادی بود که کم و بیش بحث مالکیت خصوصی را مطرح کرد؛ او نیز همانند لاک اعتقاد داشت که وقتی مالکیت وجود دارد، دولت می‌تواند وجود نداشته باشد. از دید وی وظیفه دولت حفاظت از ثروت جامعه و از افراد مستقر در آن می‌باشد؛ هرچند که در صورت وجود دولت، این نهاد وظیفه خواهد داشت که از طریق چارچوب قانونی، حقوق مالکیتی تضمین شده را برای افراد فراهم کند. آدام اسمیت تأکید می‌کند که عقد قراردادهای خصوصی، از آنجا که تخصصی شدن را افزایش می‌دهد، سبب بروز نوآوری و شتاب رشد اقتصادی خواهد شد. از دید اسمیت حقوق مالکیت برای محروم ساختن افراد دیگر (غیر از مالکین) از استفاده از دارایی‌ها لازم است.

ژان باتیست سی^۳ در کتاب «رساله‌ای درباره اقتصاد سیاسی» بر آن است که نیاز به حقوق مالکیت تضمین شده برای اقتصاد چنان حیاتی است که نیازی به ارائه دلایل به منظور اثبات اهمیت آن نیست. به نظر وی بدون حمایت از حقوق مالکیت، دستیابی به توسعه اقتصادی قابل ملاحظه از طریق نیروی کار، زمین و سرمایه بیشتر، غیرممکن است. مالتوس^۴ نیز از حقوق مالکیت به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر ثروت ملل یاد کرده است.

اما نگرش‌ها نسبت به حقوق مالکیت در سالیان متمادی دستخوش تغییرات اساسی شده است، به گونه‌ای که از اواسط دهه ۱۸۰۰ میلادی، بدگمانی خاصی نسبت به مالکیت خصوصی شکل گرفت. جان استوارت میل^۵ در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی»، به شالوده بنیادین نظریه اسمیت، از جمله نقش مالکیت در اقتصاد، حمله کرد. از دید وی، ارتباط میان مالکیت و آزادی مبهم است. مارکس و انگلس^۶ نیز به پیروی از این دیدگاه، نظریه کمونیستی زوال مالکیت خصوصی را اشاعه دادند. آنان مالکیت خصوصی را منحصرأ محصول نظام سرمایه‌داری دانسته و آن را تقبیح

1. John Locke
2. Adam Smith
3. Say
4. Malthus
5. John Stuart Mill
6. Marx and Engels

می‌کردند. از دید این دو، مالکیت دولتی باید به‌طور کامل جایگزین مالکیت خصوصی شود، اما این نگرش دیرزمانی پابرجا نماند و با سقوط دولت‌های کمونیست، نگاه به حقوق مالکیت تغییر کرد. اما شاید مهمترین مکتب اقتصادی که به مسئله حقوق مالکیت تأکید داشته و دارد، مکتب نهادگرایی جدید است که یکی از مهمترین دیدگاه‌های آنان این است که «برای داشتن عملکرد اقتصادی خوب، تعریف واضح حقوق مالکیت و اجرای روشن آن بسیار مهم است» (Kaufman, 2003).

کامونز، بر آن است که بشر برای غلبه بر مشکل کمیابی با سه چالش اساسی «رفع تضاد و ناسازگاری»، «کنار آمدن با مسئله وابستگی» و «ایجاد نظم مدنی و اجتماعی» روبرو است. وی برخلاف نگرش نئوکلاسیک،^۱ حقوق مالکیت را حق‌هایی مفروض تلقی نمی‌کند و نشان می‌دهد که حقوق مالکیت محصول کنش جمعی است. وی با تأکید بر مفاهیم عقلانیت محدود، اطلاعات ناقص و عدم اطمینان درباره آینده، بنیان و شالوده اقتصاد نهادگرایی جدید را مبادله حقوق مالکیت و نه مبادله فیزیکی کالاها و خدمات می‌داند (Kaufman, 2003:73). به‌نظر او دولت از طریق همین قواعد ناظر بر کار^۲ (مانند قوانین، تصمیمات دادگاه‌ها، قواعد اتحادیه‌های تجاری، هنجارهای اجتماعی و...) فرصت‌ها و محدودیت‌های افراد را مشخص می‌کند. این قواعد (رسمی و غیررسمی) منجر به کنترل افراد بر منابع کمیاب شده و درواقع همانند حقوق مالکیت عمل می‌کنند.^۳

یکی دیگر از افرادی که نقش مهمی در استحکام نظریه اقتصادی نهادگرایی جدید داشت رونالد کوز^۴ بود. وی در سال ۱۹۳۷ در مقاله‌ای با نام «ماهیت بنگاه» تلاش کرد تا نظریه نئوکلاسیک‌ها را، که به پیشینه‌سازی بدون هزینه باور داشتند، به چالش بکشاند. وی با مطرح کردن هزینه مبادله،^۵ علت وجودی بنگاه‌ها را همین موضوع دانسته است. تلاش‌های کوز تا سال ۱۹۶۰ با وارد کردن

۱. از دید نئوکلاسیک‌ها، تقاضا از رفتار مطلوبیت نهایی، عرضه از رفتار هزینه نهایی و تعادل بازار از تقابل عرضه و تقاضا حاصل می‌شود. به عبارت دیگر از دید نئوکلاسیک‌ها، حقوق مالکیت به‌عنوان یکی از متغیرهای توضیحی مدل عرضه و تقاضا نقش درخوری را ایفا نمی‌کند.

2. Working Rules

۲. وی با استفاده از همین مفهوم، میان سه نوع از مبادله، مبادله چانه‌زنی، جیره‌بندی و مدیریتی تمایز قائل شده و تفاوت آنها را در انتقال حقوق مالکیت می‌داند. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: آراین قلی‌پور، نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان‌ها)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.

4. Ronald Coase

۳. هزینه مبادله (Transaction Cost) آن دسته از هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که به علت عدم پابندی یکی از طرفین مبادله به تعهداتش، بر طرف دیگر مبادله تحمیل می‌شود (رنانی، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر هزینه مبادله، آن دسته از هزینه‌هایی است که افراد در فرایند مبادله اقتصادی متحمل می‌شوند تا حقوق مالکیت خود را مشخص، تعریف و تضمین کنند. پس هزینه مبادله دربرگیرنده هزینه‌های کسب اطلاعات درباره فروشنده، خریدار و کیفیت کالا یا خدمتی که مبادله می‌شود، هزینه‌های عقد قرارداد و نظارت بر عملکرد طرف مقابل و از همه مهمتر هزینه‌های مربوط به تعریف حقوق مالکیت و تضمین اعمال این حقوق می‌باشد (رنانی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۷). برای مطالعه بیشتر در مورد هزینه مبادله مراجعه کنید به: هومن علوی، «بررسی روند تحولات هزینه مبادله در اقتصاد ایران دوره ۱۳۸۰-۱۳۸۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.



«قضیه کوز» به ادبیات علم اقتصاد به ثمر نشست. این قضیه بیان می‌دارد که هرگاه هزینه مبادله ناچیز بوده و حقوق مالکیت خوب تعریف شود، در این صورت توزیع مجدد حقوق مالکیت، کارآیی اقتصادی و تخصیص منابع را تغییر نخواهد داد. وی با استفاده از این قضیه اثبات می‌کند که پارادایم نئوکلاسیک‌ها تنها زمانی نتایج تخصیصی را به بار خواهد آورد که هزینه‌های مبادله صفر باشد، اما وی با طرح مثال‌های متعدد نشان می‌دهد که هزینه مبادله نمی‌تواند صفر باشد^۱ و در این صورت وجود ساختارهای حقوق مالکیت، تخصیص منابع را تغییر خواهد داد. از نظر کوز در صورت برقراری حقوق مالکیت، برای درونی‌سازی آثار خارجی،^۲ نیازی به مداخله دولت نیست.^۳

دمستر^۴ نگرش کلاسیک‌ها به حقوق مالکیت^۵ را بی‌اعتبار دانسته زیرا به نظر او اولین کارکرد حقوق مالکیت این است که انگیزه‌ها را به سوی دستیابی به درونی کردن بیشتر آثار خارجی هدایت می‌کند. حقوق مالکیت به افراد در شکل‌دهی انتظارات خود در مورد ارتباط با دیگران کمک خواهد کرد و چگونگی منتفع شدن و یا ضرر رساندن به خود یا دیگران و اصلاح و تسهیل فعالیت‌های افراد را برای تعیین پرداخت‌کننده نهایی تصریح می‌کند. اگر بپذیریم که تصمیم افراد بر دیگران مؤثر است، از این رو ابزاری لازم خواهد بود تا آثار خارجی هر تصمیمی را درونی‌سازی کند، به نظر وی حقوق مالکیت این نقش را ایفا خواهد کرد. وی توضیح می‌دهد که حقوق مالکیت زمانی درونی‌سازی آثار خارجی را انجام می‌دهد که منافع حاصل از درونی‌سازی بیش از هزینه‌های آن باشد در چنین شرایطی حقوق مالکیت باعث تسهیل همکاری و کنش هزینه مبادله خواهد شد (برگرفته از صمدی،

۱. دی‌السی و جرارد تأکید دارند که اگر هزینه مبادله صفر باشد، حقوق مالکیت باید کاملاً تعریف شده، کاملاً تخصیص داده شده و کاملاً اجرا شده باشد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

De Alessi, L. Property Rights, Transaction Costs, and Xefficiency: An Essay in Economic Theory. The American Economic Review, 73(1), 1983, PP. 64-81.

Gerard, D. Transaction costs and the value of mining claims. Land Economics, 77(3), 2004, PP. 371-384.

۲. در اقتصاد آثار خارجی (Externality) مثبت و منفی وجود دارد که محاسبات اقتصاد کلاسیک در بسیاری مواقع، قادر به در نظر گرفتن آنها در توابع بهینه‌سازی بنگاه‌ها نیست. این مشکل سبب می‌شود تا نقطه تعادل جامعه از سطوح تخصیصی بهینه رفاه فاصله بگیرد. از این رو در اقتصاد از ابزارهایی استفاده می‌شود تا بنگاه‌ها را وادار کند تا آثار خارجی فوق‌الذکر را در توابع هدف خود وارد کرده و از این طرق تخصیص‌ها در جامعه به صورت بهینه انجام شده و رفاه کل حداکثر شود. این ابزارها می‌تواند به صورت دریافت مالیات و پرداخت یارانه باشد و یا اینکه به صورت شفاف کردن اطلاعات و التزام به مسئله حقوق مالکیت. تا جایی که بسیاری اعتقاد دارند یکی از مهمترین دلایل بروز آثار خارجی، فقدان حقوق مالکیت در جامعه است، برای مطالعه بیشتر ر.ک: جمشید پژیوان، اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)، ۱۳۸۴، انتشارات جنگل.

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد نظریات فوق‌الذکر مراجعه کنید به: علی‌حسین صمدی، «جایگاه حقوق مالکیت در اندیشه‌ها و مکاتب اقتصادی (با تأکید بر دیدگاه نهادگرایان جدید)»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، ش ۳، صص ۲۲۹-۲۴۶. مالیه عمومی (اقتصاد بخش عمومی) (هاروی اس روزن، با ترجمه عین‌الله علاء، دانشکده امور اقتصادی، نشریه شماره ۱۸، تهران، ۱۳۷۸).

Musole, M., "property rights, transaction cost and institutional change: Conceptual framework and literature review", Progress in Planning 71, 2009, PP. 43-85.

4. Demstet

۵. نئوکلاسیک‌ها معمولاً بسته یا نوع حقوق مالکیت را به‌عنوان متغیری داده شده فرض کرده و به دنبال توضیح نیروهایی می‌روند که قیمت و تعداد واحدهای کالایی (که این حقوق مرتبط به آن هستند) را تعیین کند.

۱۳۸۹). بنابراین از دید وی، اگر اثر خارجی در جامعه وجود داشته باشد برخی از هزینه‌ها و منافع توسط استفاده‌کننده منابع به حساب نمی‌آید؛ اما با مجاز شمردن مبادله، میزان درونی کردن افزایش می‌یابد.^۱

نورث^۲ نیز به‌عنوان صاحب‌نظری که به دلیل تلاش‌های خود در توسعه نگرش نهادگرایی توانست جایزه نوبل اقتصاد را اخذ کند، تأکید زیادی به اهمیت حقوق مالکیت دارد. وی نظریه نهادها را نظریه‌ای در باب حقوق مالکیت، دولت و ایدئولوژی می‌داند. از دید وی دلیل نیاز به چنین عناصری این است که حقوق مالکیت، انگیزش‌های فردی و گروهی در نظام را مشخص کرده و دولت وظیفه تعریف و اجرای آن را برعهده خواهد داشت. نورث نیز دسته‌ای دیگر از نظریات کلاسیک‌ها^۳ را نقد می‌کند و بیان می‌کند که تنها زمانی بازدهی خصوصی و اجتماعی سرمایه‌گذاری‌ها با هم برابرند که حقوق مالکیت کاملاً تعریف شده و اجرای آن بی‌هزینه باشد و استدلال می‌کند که این شرایط هرگز برقرار نخواهد شد. علاوه بر این به‌نظر نورث وجود بازدهی مثبت برای پس‌اندازها^۴ به ساختار حقوق مالکیت بستگی دارد. وی حقوق مالکیت تضمین شده را عامل اصلی تعیین‌کننده نرخ پس‌انداز و تشکیل سرمایه می‌داند.

۲-۱. حقوق مالکیت چیست؟

شاید بهتر باشد پیش از آنکه به بیان مفهوم حقوق مالکیت بپردازیم، به این سؤال پاسخ گوئیم که منشأ مالکیت چیست؟ همانند بسیاری دیگر از نظریات اقتصادی، پاسخ به این سؤال نیز دستخوش مجادلات مختلفی میان اندیشمندان است. جان لاک برای پاسخ به این پرسش، نظریه کار را مطرح کرد. براساس این نظریه هر فرد مالک خود و کارش بوده و اگر آن را با مشترکات درآمیزد، مالک می‌شود^۵ (حبیبی و معتمدی، ۱۳۸۵).^۱ برخی ریشه مالکیت را در «مالکیت بر نفس» دانسته‌اند. برخی

۱. دمستر بنگاهی را که از نیروی کار بردگان استفاده می‌کند برای توضیح این مسئله به‌عنوان نمونه ذکر می‌کند. این بنگاه همه هزینه‌های خود را در بهینه‌سازی خود محاسبه نمی‌کند و صاحب بنگاه تنها با پرداخت دستمزد معینی می‌تواند از کار بردگان استفاده نماید، اما اگر امکان مذاکره و چانه‌زنی برای دوطرف وجود داشته باشد این مسئله دیگر موضوعیت نخواهد داشت؛ زیرا بردگان براساس بازده انتظاری در ازای آزادیشان، به بنگاه پیشنهاد پرداخت مبلغ معینی را می‌دهند. بدین ترتیب در محاسبات بنگاه می‌توان هزینه بردگی را درونی کرد (گذار از بردگی به آزادی در اروپای فئودال، نمونه چنین فرایندی است)، (یوسفی، ۱۳۸۶).

2. North

۳. یکی از مفروضات الگوی نئوکلاسیک این است که براساس یک ساختار انگیزشی مشخص، افراد سعی می‌کنند تا بازدهی اجتماعی تمام سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را به خود اختصاص دهند. به عبارت دیگر از دیدگاه نئوکلاسیک‌ها، بازدهی خصوصی و اجتماعی سرمایه‌گذاری‌ها با هم برابرند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸، ص ۱۶).

۴. یکی دیگر از مفروضات نئوکلاسیک‌ها این است که بازدهی پس‌اندازها مثبت است.

۵. این نظریه بر ۶ مقدمه بنا شد:

۱. خداوند جان را به صورت مشترک به بشر اعطا کرده است،



دیگر عامل «حیازت و ایجاد» را دلیل مالکیت دانسته‌اند (Palmer, 1990:821). برخی نیز به عنصر تقدم تأکید کردند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۸). آدام اسمیت نیز تقسیم کار را منشأ تولید ارزش و پس از آن تأمین مالکیت می‌دانست، اما در دنیای اقتصادی امروز، منظور از کار تنها کار یدی نیست، بلکه افراد انباشتی از سرمایه‌های فیزیکی، انسانی، اجتماعی و انواع دانش بوده و با به‌کارگیری هرکدام می‌توانند ارزش تولید کنند و مالک ارزش تولید شده باشند.^۲ اما افراد چگونه از این ارزش تولید حفاظت خواهند کرد؟ در اینجا است که نقش حقوق مالکیت نمود می‌یابد و شناسایی مفهوم آن ضروری می‌نماید. بنابراین در ادامه باید به این سؤال پاسخ گوئیم که حقوق مالکیت چیست؟

حقوق مالکیت مفهومی فرارشته‌ای است و به دلیل شمول مفهومی در اقتصاد و حقوق، دارای تعاریف متفاوتی است.^۳

از یک نقطه نظر حقوقی، مالکیت مجموعه‌ای از حقوق مدون می‌باشد. این حقوق نشان می‌دهند که افراد با منابعی که مالک هستند چه کارهایی را می‌توانند انجام دهند و چه کارهایی را نمی‌توانند به انجام رسانند: همانند محدوددهای که آنها قادرند تصرف کنند، استفاده نمایند، توسعه دهند، تغییر دهند، مصرف کنند، تخریب کنند، بفروشند، ببخشند، وصیت کنند، اجاره دهند، قرض دهند و یا دیگران را از استفاده آن مستثنا کنند. این حقوق تغییرپذیر بوده و ممکن است از نسلی به نسل دیگر تغییر کنند. به صورت کلی دو حقیقت در مورد حق مالکیت روشن می‌باشد: اول اینکه مالک قادر است این حقوق را نسبت به مال خود اعمال نماید، یعنی هیچ قانونی اعمال این حقوق را امر یا نهی نمی‌کند (همانند آنکه یک کشاورز مختار است که زمینش را کشت کند یا آن را آیش نماید). دوم آنکه، دیگران با توجه به محدودیت‌های قانونی الزام‌آور قادر نیستند تا مزاحم اعمال این قانون

۲. هر فرد بر خود مالکیت دارد.

۳. کار هر فرد به خود او تعلق دارد.

۴. هرگاه شخص، کار خود را با چیزی از مشترکات ترکیب کند، آن را ملک خود کرده است.

۵. حق مالکیت مشروط به این است که شخص از مشترکات چیزی کافی و به همان اندازه خوب، برای دیگر شریکان واگذارد.

۶. یک شخص نمی‌تواند بیش از آن چه استفاده می‌کند از مشترکات بردارد (حبیبیا و معتمدی، ۱۳۸۵). برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: محمود حکمت‌نیا، «نظریه کار - مالکیت و کاربرد آن در مالکیت فکری»، نامه مفید، سال دهم، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲.

۱. هر چند عده‌ای همچون تالی اعتقاد دارند که جان لاک کار را منشأ مالکیت نمی‌داند، بلکه از نظر او کار تنها منشأ مشروعیت بهره‌برداری از مشترکات عمومی است (Tully, 1980, P. 310) برگرفته از (حبیبیا و معتمدی، ۱۳۸۵).

۲. به باور یکی از نویسندگان، در فقه اسلامی نیز اگرچه نظریه کار به صورت فوق‌الذکر مطرح نشده است، اما قاعده‌ها و احکامی چون «من حاز ملک» و «من سبق الی ما لم یسبق الیه مسلم فهو احق به» نشان می‌دهد که سرچشمه مالکیت در کار با ویژگی‌های خاص می‌باشد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: محمود حکمت‌نیا، «بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۳، ۱۳۸۸، صص ۱۷۹-۲۱۴.

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کاول و گروسمن (Cole and Grossman, 2001) که اعتقاد دارند این تفاوت نگرش اقتصاددانان نسبت به حقوقدانان سبب بروز آسیب و نقصان در پاره‌ای از مطالعات اقتصادی شده است. علاوه بر این مراجعه کنید به: محمدقلی یوسفی، حقوق مالکیت عامل کلیدی توسعه اقتصادی، اقتصاد و جامعه، سال سوم، ش یازدهم، ۱۳۸۶، صص ۹-۴۱.

توسط مالک آن شوند. بنابراین حق مالکیت قلمرویی از حریم خصوصی ایجاد می‌کند که در آن مالکان می‌توانند بدون پاسخگو بودن در برابر دیگران، اراده خود را بر اشیا اعمال کنند یا به عبارت دیگر حق مالکیت به مالکین نسبت به اشیا آزادی می‌دهد (Cooter and Ulen, 2008).^۱

معمولاً منظور اقتصاددانان از حقوق مالکیت، حقوق مالکیت خصوصی است که یکی از ویژگی‌های بارز آن داشتن توانایی قانونی به منظور بازداشتن دیگران از استفاده از یک کالا یا دارایی می‌باشد. از نگاه کامونز حقوق^۲ مالکیت، حقوق مربوط به کمیابی^۳ بوده و شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که افراد یا جامعه در انجام یا عدم انجام آن و یا در تملک یک دارایی آزاد می‌باشند (Kaufman, 2003: 73). وی برخلاف اقتصاددانان کلاسیک حقوق مالکیت را داده شده فرض نکرده و نشان می‌دهد که حقوق مالکیت محصول کنش جمعی است. دست‌نزد حقوق مالکیت ابزاری در اختیار جامعه می‌داند که به افراد در شکل‌دهی انتظارات متقابل، کمک می‌کند. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شوند (رنانی، ۱۳۸۰: ۳۴۸). به تعبیر دست‌نزد «حقوق مالکیت ابزاری است که به فرد کمک می‌کند تا به انتظاراتش در کنش با دیگران، شکلی منطقی دهد. حقوق مالکیت بیان‌کننده حق نفع یا ضرر زدن به خود یا دیگران است و دارنده آن این موقعیت را در جامعه دارد که نسبت به دیگران به شیوه خاصی رفتار کند. بنابراین روشن است که حقوق مالکیت بیانگر این است که چگونه افراد می‌توانند منتفع یا متضرر شوند. علاوه بر این، حقوق مالکیت تصریح می‌کند که به منظور تعدیل فعالیت‌های اقتصادی، پرداخت‌ها در جامعه باید توسط چه کسی انجام شده و توسط چه کسی دریافت گردد» (رنانی، ۱۳۸۰: ۷۱۶). نورث حقوق مالکیت را حقوق افراد برای بهره‌مندی از منافع کار تحت تملک خود یا بهره‌مندی از منافع کالاها و خدماتی که آنها را تصرف کرده‌اند، تعریف می‌کند (معینی، ۱۳۷۷: ۵۶).

از دید اجرسون حقوق مالکیت، حقوق افراد در استفاده از منابع است از نگاه وی دو مفهوم متمایز از حقوق مالکیت وجود دارد: اول حقوق مالکیت اقتصادی^۴ که در آن فرد روی یک کالا یا دارایی، توانایی افراد در مصرف کالا یا خدمات دارایی و به‌طور غیرمستقیم از طریق مبادله تعریف می‌شود. این توانایی شامل حق استفاده از یک دارایی، حق کسب درآمد از یک دارایی و قرارداد با

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد رویکرد حقوقی مراجعه کنید به صص ۱۰۳ - ۱۵۷:

کوتر، رابرت و تامس یولن (۲۰۰۸)، حقوق و اقتصاد، ترجمه ی‌الله دادگر و حامده اخوان هزاوه (۱۳۸۸)، انتشارات نور علم، چاپ چهارم.

۲. در این نوشتار، حقوق ترجمه واژه Rights و به معنای ادعای قابل اجرای قانونی یک شخص در برابر فرد دیگر است و با واژه «Law» به معنای علم حقوق یا قانون متفاوت است.

3. Rights to Scarcity

4. Economic Property Right



سایر افراد و حق انتقال مالکیت دائم به گروه دیگر می‌باشد، دوم حقوق مالکیت قانونی^۱ که حقوق مالکیتی است که توسط دولت به رسمیت شناخته شده و اعمال می‌شود. در واقع حقوق مالکیت قانونی، حقوقی است که از طریق دولت اعطا شده و پشتیبانی برای بهره‌مندی از حقوق مالکیت اقتصادی است (Vandenberg, 1999:11).^۲

۳-۱. حقوق مالکیت در اسلام

مبحث مالکیت در نظام اقتصادی اسلام، از مهمترین مباحث به‌شمار می‌رود، زیرا بسیاری از دیدگاه‌های مکاتب اقتصادی برخاسته از دیدگاه آنان نسبت به مالکیت است. از دیدگاه شهید صدر، اسلام برخلاف مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی که هرکدام حالت افراطی از مالکیت را پذیرفته‌اند، مالکیت مختلط (خصوصی - عمومی - دولتی) مورد پذیرش قرار داده است. البته به‌نظر شهید صدر نمی‌توان گفت اقتصاد اسلامی ترکیبی از این دو است؛ زیرا مفاهیم و مبانی ارزشی آن با سایر مکاتب تفاوت اساسی دارد. اسلام مالکیت خصوصی را محترم شمرده است (و اینکه هر کسی گرایش دارد محصول کار شده را مالک شود یک گرایش فطری است) اما بر این مالکیت، قواعدی نیز بار می‌شود که فطری نیست، بلکه نظام اجتماعی آن را تشریح می‌کند؛ به‌عنوان مثال، کسی حق ندارد با معامله ربوی ثروت خود را افزایش دهد، اما این امر از طریق داد و ستد امکانپذیر است.

اسلام در آنجا که کار افراد و اشخاص در میان است، مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آنجا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت را جمعی می‌داند (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۹). در فقه اسلامی، همه اقسام مالکیت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است و آیات و روایات متعدد و ابواب فقهی گوناگون می‌تواند شاهدی برای پذیرش این اقسام به‌طور همزمان توسط شارع مقدس باشد. در قرآن کریم، واژه‌هایی از قبیل «اموالکم»، «متاعاً لکم»، «انفقوا مما رزقناکم»، «جعل لکم من بیوتکم» فراوان به چشم می‌خورد که حاکی از پذیرش مالکیت خصوصی است. در فقه اسلامی، ابواب تجارت، رهن، اجاره، غصب و شفعه فرع بر پذیرش مالکیت خصوصی و مالکیت مشاع است (رجبی، ۱۳۸۱: ۴۷).

در آموزه‌های حقوقی اسلام دستوره‌های مهمی برای حمایت از حقوق مالکیت وجود دارد. اهمیت این موضوع در حقوق اسلامی به حدی است که می‌توان ادعا کرد اکثر قواعد فقهی مربوط به

1. Legal Property Right

۲. این تعریف و تقسیم‌بندی در سایت رونالد کوز (Ronald Coase Institute) و همچنین در کتاب ذیل پذیرفته شده است (برگرفته از صمدی و همکاران، ۱۳۸۹):

Barzel, Y, Economic Analysis of Property Rights, Cambridge: Cambridge University Press, 1997.

حقوق مالکیت به تبیین روش‌های حمایت از حقوق مالکیت اختصاص دارد. نخستین قاعده، قاعده احترام به مال مردم است. منظور از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است (شریف‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۴). قاعده دوم که به نوعی تکمیل‌کننده مفاد قاعده پیش‌گفته است قاعده «علی‌الید» است. براساس قاعده پیش‌گفته هرکس در مال محترمی تصرف کند یا بر آن استیلا یابد در برابر آن ضامن است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۸۳).

در فقه اسلامی، مبنای حقوق مالکیت قاعده «تسلط» است که از مجموعه‌ای روایات و به‌ویژه حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» سرچشمه گرفته است و پشتوانه‌ای محکم در ادله عقل و نقل دارد و به معنای اختیار تام مالک در مال خویش و سلطه مالکانه‌اش در مورد کلیه تصرفات مربوط به دارایی خود است.

بنابراین با نگاهی جامع به دستورات حقوقی اسلام در باب معاملات، قراردادهای مبادله و حتی در باب عبادات همچون عدم صحت نماز و عبادات در صورت غصب کردن مکان و یا مالی از دیگری و قواعد کلی ناظر بر روابط اقتصادی و مبادلاتی میان افراد که پیش‌تر اشاره شد، می‌توان فهمید که اسلام در چارچوبی خاص به حقوق مالکیت اهتمام ویژه‌ای داشته است. البته اسلام محدودیت‌هایی نیز در تحدید مالکیت قرار داده است که می‌توان به مواردی همچون مالک نبودن افراد بر معاملات حرام، حرمت اکل مال به باطل، نفی آزادی بی‌قید و بند بر اموال همچون حرمت اسراف و قواعدی از این دست اشاره کرد که نشان می‌دهد اسلام در حقوق مالکیت دارای چارچوبی نظام‌مند و هدف‌دار است.

۲. حقوق مالکیت و آثار آن بر اقتصاد

از دید اقتصاددانان، حقوق مالکیت حفاظت شده^۱ از مجاری مختلف قادر است بر متغیرهای عمده توسعه و رشد اقتصادی اثرگذار باشد. در ادامه به‌صورت خلاصه برخی از این مجاری را توضیح خواهیم داد.

جهت‌گیری ادبیات جدید حقوق مالکیت بدین سو است که حقوق دارایی خصوصی^۲ بر حقوق مالکیت عمومی و اشتراکی ارجحیت دارد (Cooter and Ulen, 2008). دمستز^۳ با استفاده از

1. Secure Property Rights

۲. حقوق مالکیت خصوصی بدان معنی است که فرد می‌تواند نوع استفاده از دارایی‌ها خود را مشخص کند و به تمام منافع و هزینه‌های آن تن دهد.

3. Demsetz



تعریفی که برای حقوق مالکیت ارائه می‌کند، میان حقوق مالکیت و پیامدهای خارجی^۱ ارتباطی نظری برقرار می‌کند. به نظر وی، هیچ اثر مضر یا مفیدی برای جهان، اثر خارجی نیست. آنچه که یک اثر مضر یا مفید را به یک پیامد خارجی تبدیل می‌کند این است که هزینه وارد کردن یک اثر در تصمیمات یک یا چند فرد که با همدیگر ارتباط متقابل دارند، بیش از هزینه مفید ساختن این کار باشد (Demsetz, 1967). فوروبون و ریچر^۲ اعتقاد داشتند که وجود حقوق مالکیت تصریح شده تقریباً شفاف و برقراری آزادی در معاملات، الزامات ضروری برای داخلی کردن آثار خارجی در اقتصاد است (Furubotn and Richter, 2000).^۳

لیکاپ اعتقاد دارد که حقوق مالکیت با تأثیری که بر انگیزه‌های اقتصادی می‌گذارد قادر است رفتار اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار دهد (Libcap, 1986)، اما حقوق مالکیت چگونه باعث تغییر انگیزه‌ها می‌شود؟ یکی از پاسخ‌ها به این مسئله بدین صورت است که حقوق مالکیت خصوصی به دلیل آنکه ریسک بازدهی آتی را کاهش می‌دهد سبب افزایش کارایی اقتصادی شده و از این طریق بر انگیزه‌های اقتصادی اثر خواهد داشت (Jaff and Louziotis, 1996). اما به‌طور کلی می‌توان گفت اقتصاددانان اعتقاد دارند که حقوق مالکیت از یکی از چهار طُرق ذیل بر فعالیت‌ها اثر می‌گذارد:

- **ریسک سلب مالکیت:** وجود نااطمینانی در حقوق مالکیت سبب خواهد شد که افراد در تحقق عایدی سرمایه‌گذاری خود با ناکامی مواجه شوند.

- **تحمیل هزینه‌های اضافی:** وجود نااطمینانی در حقوق مالکیت، هزینه‌هایی را به افراد تحمیل می‌کند تا از اموال و دارایی‌های غیرمولد خود، دفاع و محافظت نمایند.

- **شکست در تسهیل منافع حاصل از تجارت:** یک اقتصاد مولد نیازمند این است که دارایی‌ها توسط افرادی با بهره‌وری بالا به‌کار گرفته شوند و بهبود حقوق مالکیت سبب تسهیل این رخداد خواهد شد. به‌عبارت دیگر، این حقوق امکان تحرک سرمایه را به‌عنوان یک عامل تولید (مثلاً از طریق بازار اجاره) به‌وجود می‌آورند.

- **استفاده از اموال در پشتیبانی سایر معاملات:** اقتصادهای آزاد با تکیه بر وثیقه‌ها از انواع مبادلات در بازارهای مالی حمایت می‌کنند و بهبود حقوق مالکیت می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری

1. Externalities

پیامدهای خارجی زمانی بروز می‌کند که تولید، مصرف یک کالا یا خدمت دارای اثر سرریزی است که قیمت بازار قادر به انعکاس آن نیست.

2. Furubotn and Richter

۳. موارد دیگری از نگرش‌های مرتبط با پیامدهای خارجی وجود دارد که برای مطالعه می‌توانید مراجعه کنید به:

Demsetz, H. (2003). Ownership and the Externality Problem. In T. L. Anderson & F. S. McChesney (Eds.), Property Rights: Cooperation, Conflict, and law. Princeton, NJ: Princeton University Press; Webster, C. J., & Lai, L. W. C. (2003). Property rights, planning and markets: Managing Spontaneous Cities. Cheltenham, UK; Northampton MA: Edward Elgar.

از طریق تکرر این‌گونه امکانات و ابزارها شود.

تا بدین‌جا، راه‌های کلی که حقوق مالکیت بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد را معرفی کردیم. در ادامه این بخش به دنبال تبیین این مسئله خواهیم بود که حقوق مالکیت چگونه بر هرکدام از متغیرهای کلان اقتصاد تأثیر می‌گذارد.

۱-۲. حقوق مالکیت و تأثیر آن بر انباشت و کارآیی سرمایه‌های اقتصادی

مطالعات اقتصادی حکایت از آن دارد سرمایه‌های مؤثر از دید اقتصاد را می‌توان در سه دسته کلی سرمایه فیزیکی،^۱ سرمایه انسانی^۲ و سرمایه اجتماعی^۳ تقسیم کرد. مطالعات بسیاری حکایت از آن دارد که تضمین حقوق مالکیت سبب تسریع انباشت هرکدام از سرمایه‌های فوق‌الذکر خواهد شد. شرط لازم برای انباشت سرمایه، سرمایه‌گذاری است و سرمایه‌گذار برای انجام سرمایه‌گذاری به دنبال محیطی امن خواهد بود. یکی از مهمترین متغیرهای تأمین‌کننده امنیت سرمایه، حقوق مالکیت است؛ به‌گونه‌ای که با گسترش حقوق مالکیت، ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری برای فرد کاهش یافته و از این طریق عایدی انتظاری‌اش افزایش خواهد یافت. از این‌رو تأمین حقوق مالکیت به دلیل کاهش ریسک در جامعه می‌تواند اثر مستقیمی بر انباشت سرمایه داشته باشد. تعریف رسمی حقوق مالکیت بر پایه یکپارچه کردن نظام مالکیت از طریق ۶ تأثیری که ایجاد می‌کند سبب تولید و انباشت سرمایه فیزیکی می‌شود. این ۶ تأثیر عبارتند از: تعیین قدرت بالقوه اقتصادی دارایی‌ها، جمع‌آوری اطلاعات پراکنده در یک نظام جامع، پاسخگو کردن مردم، معاوضه‌پذیر کردن دارایی‌ها، شبکه‌بندی مردم و حمایت از معاملات (تفضلی، ۱۳۸۵: ۷۵). انباشت سرمایه اجتماعی نیز ارتباط مستقیمی با حفاظت از حقوق مالکیت دارد.^۴

نهاد حقوق مالکیت همانند سایر نهادهای اجتماعی، از فرهنگ و جامعه سرچشمه می‌گیرد و در چارچوب کنش جمعی انسان‌ها تعیین می‌شود. وقتی افراد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، برای جلوگیری از نزاع و کشمکش نیازمند تعریف و اجرای ترتیباتی به‌منظور دستیابی به منابع کمیاب

1. Physical capital

2. Human Capital

سرمایه انسانی شامل استعدادها، مهارت‌ها، دانش و امکان به‌کارگیری این اجزا در کار است (Kyriacov, 1991).

3. Social Capital

وجود پیوندهای اجتماعی بر پایه اعتماد متقابل و هنجارهای مشترک، منجر به ایجاد شبکه‌های اجتماعی می‌شود. با تشکیل شبکه‌های اجتماعی، همکاری بین اعضای شبکه آسان شده و حمایت متقابل اعضای شبکه از یکدیگر شکل می‌گیرد و یا به‌عبارت دیگر مبادلات اجتماعی صورت می‌پذیرد. حمایت اعضا از یکدیگر با اعتماد به اینکه در آینده پاسخ مناسبی مستحق این حمایت از طرف مقابل دریافت خواهند کرد، ذخیره اجتماعی را برای هر عضو به‌وجود می‌آورد که انباشت آن در فرد، در شبکه‌ها (میان افراد) و در جامعه (میان شبکه‌ها)، سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

۴. برای مطالعه بیشتر بر چگونگی تأثیر حقوق مالکیت بر سه سرمایه فوق‌الذکر، ر.ک: صمدی و همکاران، ۱۳۸۹.



هستند. این ترتیبات مبنای کنش متقابل آنها را شکل داده و باعث تنظیم و تثبیت روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میان آنان می‌شود. در این شیوه زندگی اجتماعی، گروه یا اجتماع ترتیبات استفاده از منابع را تعیین می‌کنند. با تعریف این ترتیبات که به صورت، قوانین، رسوم، عرف، سنن، و امثال آنها پدیدار می‌شود، صاحبان دارایی، در برابر اموالشان از حقوقی بهره‌مند می‌شوند که در واقع حقوق مالکیت آنان را تشکیل می‌دهد. ترتیبات حقوق مالکیت هم می‌تواند مبنای رسمی (قوانین مصوب و مکتوب) داشته باشد و هم مبنای غیررسمی (هنجارهای رفتاری، عرف و...). این مبنا به طور عمده به ارزش اقتصادی، دارایی و تعداد استفاده‌کنندگان از آن بستگی خواهد داشت. هرچه ارزش دارایی‌ها برای جامعه بالاتر و تعداد استفاده‌کنندگان بیشتر باشد، شکل‌گیری نهاد رسمی ضروری‌تر خواهد بود. مادامی که افراد اجتماع به هر دو این قواعد احترام بگذارند، حقوق مالکیت سبب برقراری ثبات اقتصادی و سیاسی کشور خواهد شد. از این رو، حقوق مالکیت، اتخاذ هنجارهای رفتاری خاص برای استفاده از منابع را ترغیب و هزینه‌های عدم رعایت آن را تصریح می‌کند (دادگر، ۱۳۸۹).^۱

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا در دنیای واقعی نیز مطالعات تجربی بر این مدعا صحه می‌گذارند یا خیر؟ مطالعات تجربی حکایت از آن دارد که تأمین حقوق مالکیت می‌تواند سبب تسریع انباشت دانش شود. حقوق مالکیت قادر به تشکیل مهارت و انجام اختراع در جامعه نیز خواهد بود.^۲ به عنوان نمونه، مارکوسن در مقاله خود با مطالعه خانوارهای کشورهای کامبوج در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، به این نتیجه رسید که حقوق مالکیت دارای اثر مثبتی بر بهره‌وری زمین و نیروی کار می‌باشد.^۳

۲-۲. حقوق مالکیت و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری

نورث^۴ بیان می‌کند که ساختار تضمین شده حقوق مالکیت و اجرای قراردادها می‌تواند با کاهش ریسک و نااطمینانی، انگیزه سرمایه‌گذاری در عوامل انباشت شونده را تحت تأثیر خود قرار دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸: ۵۰) وی حقوق مالکیت تضمین شده را عامل اصلی تعیین‌کننده نرخ پس‌انداز و تشکیل سرمایه می‌داند. علاوه بر این بسیاری از نظریه‌های اقتصادی بیان می‌کنند که حقوق مالکیت سبب ایجاد انگیزه در استفاده از منابع کارآ خواهد شد (Jaff and Louziotis, 1996; Ponser, 1973; Reeve, 1986).

۱. این بخش برگرفته از اثر یدالله دادگر (۱۳۸۹) صص ۱۹۴-۱۹۶ است.

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد تأثیر حقوق مالکیت بر خلق دانش و انجام اختراع مراجعه کنید به:

Rockett, Katharine, "Property Rights and Invention", Handbook of the Economics of Innovation, Volume 1, 2010, Chapter Chapter 7, PP. 315-380.

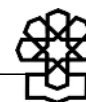
3. Thomas Markussen, "Property Rights, Productivity, and Common Property Resources: Insights from Rural Cambodia", World Development, Volume 36, Issue 11, November 2008, PP. 2277-2296.

4. North

بسلی^۱ در چارچوب نظری خود اعتقاد دارد که در سطح خرد سه دیدگاه مختلف وجود دارد که ارتباط میان سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت را نمایش می‌دهد. نظریه سنتی یا غارت، نظریه وثیقه یا بازار اعتبار و نظریه سودهای ناشی از مبادله حقوق مالکیت. نظریه سنتی یا نظریه غارت توسط دمستز و آلچیان مطرح شد؛ طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که هرگاه کارگزارانی که فرصت سرمایه‌گذاری در اختیار دارند، قادر به حصول اطمینان از اختصاص بازدهی‌های سرمایه‌گذاری‌های خود نباشند، مسئله غارت بروز خواهد کرد. هرگاه منافع سرمایه‌گذاری فرد به واسطه حمایت ضعیف از حقوق مالکیت توسط دیگران به غارت برود، فرد انگیزه کمتری برای سرمایه‌گذاری داشته و در صورت تضعیف این نظام، دیگر اقدام به سرمایه‌گذاری نخواهد کرد (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹). طرفداران نظریه وثیقه بر این عقیده‌اند که حفاظت قانونی گسترده از حقوق مالکیت سبب گسترش وسایل و ابزارهای تضمین وام‌ها، افزایش امکان ورود انواع دارایی‌ها به بازارهای مالی و همچنین افزایش امکان تبدیل و استفاده از دارایی‌های شخصی به عنوان سرمایه برای فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت امکان تجمع سرمایه‌های کوچک در طرح‌های بزرگ می‌شود. در دو دیدگاه قبلی هیچ دیدگاهی در مورد انتقال حقوق مالکیت مطرح نشده است، اما نظریه منافع ناشی از مبادله حقوق مالکیت به صورت مجزا به همین مسئله می‌پردازد. در صورتی که هزینه‌های ناشی از انتقالات مالکیت بالا باشد، افراد مجبور به استفاده شخصی از دارایی‌های خود بدون توجه به بازدهی تطبیقی آن خواهند شد و هرچه این هزینه‌ها بالاتر باشد میزان کارآیی نسبی استفاده از دارایی‌های شخصی بیشتر خواهد شد، اما با تعریف حقوق مالکیت تضمین شده و تسهیل انتقال آن در جامعه، می‌توان باعث کاهش میزان هزینه‌های انتقال شد و از این طریق بازدهی دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری را افزایش داد.^۲ بنابراین به لحاظ نظری، حقوق مالکیت دارای آثار مثبتی بر میزان سرمایه‌گذاری در جامعه است، اما این سؤال مطرح خواهد شد که آیا مطالعات تجربی نیز این نظریه‌ها را تصدیق می‌کنند؟ در اولین گام، شاخص حقوق مالکیت کشورهای دنیا در سال ۲۰۱۱ را به همراه مقدار جریان سرمایه‌گذاری خارجی در نمودار ۱ می‌توان مشاهده کرد، این نمودار می‌تواند به صورت بصری ارتباط مثبت بین این دو متغیر را به خوبی نمایش دهد.

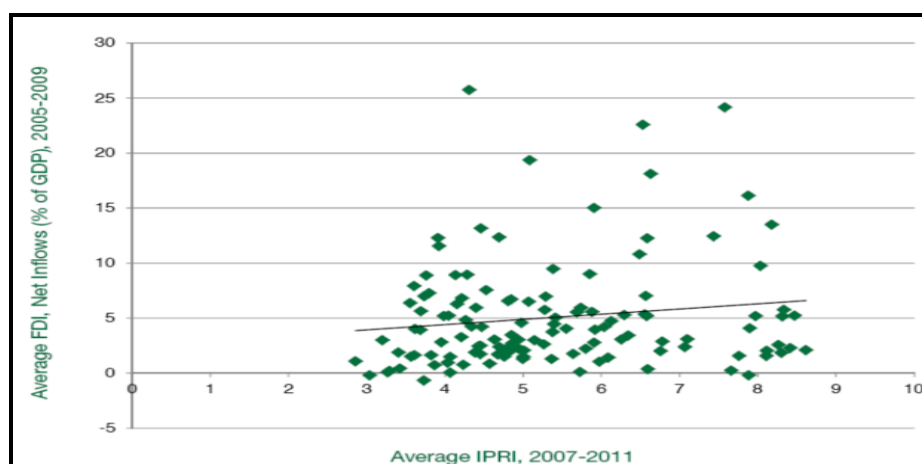
1. Besley

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد این سه دیدگاه مراجعه کنید به صمدی و همکاران (۱۳۸۹) البته نظریات دیگری نیز در این مورد وجود دارد که می‌توان مراجعه کرد به: (مهدوی و برخوردار، ۱۳۸۷).



نمودار ۱. ارتباط میان شاخص حقوق مالکیت و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

(درصدی از تولید ناخالص داخلی)



علاوه بر این، می‌توان به بسیاری از یافته‌های تجربی معتبر نیز اشاره کرد. برای مثال تورنل و ولاسکو ارتباط مثبت میان حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری را در میان کشورهای در حال توسعه تصدیق می‌کنند.^۱ علاوه بر این مطالعاتی همچون Feder (1998)، Besley (1995)، Banerjee et al. (2002) و Alston et al. (1996) شواهدی را ارائه می‌دهند که فقدان حقوق مالکیت بر روی سرمایه‌گذاری در فعالیتهای کشاورزی اثر خواهد داشت.^۲

۲-۳. تأثیر حقوق مالکیت بر رشد و توسعه اقتصادی

با توجه به مواردی که در بخش‌های پیشین بیان شد، حقوق مالکیت می‌تواند با بهبود شرایط کسب‌وکار و کاهش هزینه مبادله در جامعه سبب رونق اقتصادی و توسعه همه‌جانبه در اقتصاد شود؛ تا جایی که اولسون اعتقاد دارد توسعه اقتصادی در دنیای جدید با دو شرط زیر قابل دسترسی می‌باشد: اول آنکه افراد باید از مجموعه‌ای گسترده از حقوق تضمین شده (به‌خصوص حقوق مالکیت و قراردادهای) برخوردار باشند و دومین مورد آن است که مالکین نباید از غارت بخش خصوصی یا دولت رنج ببرند (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹). مطالعات اقتصادی در بسیاری از موارد

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

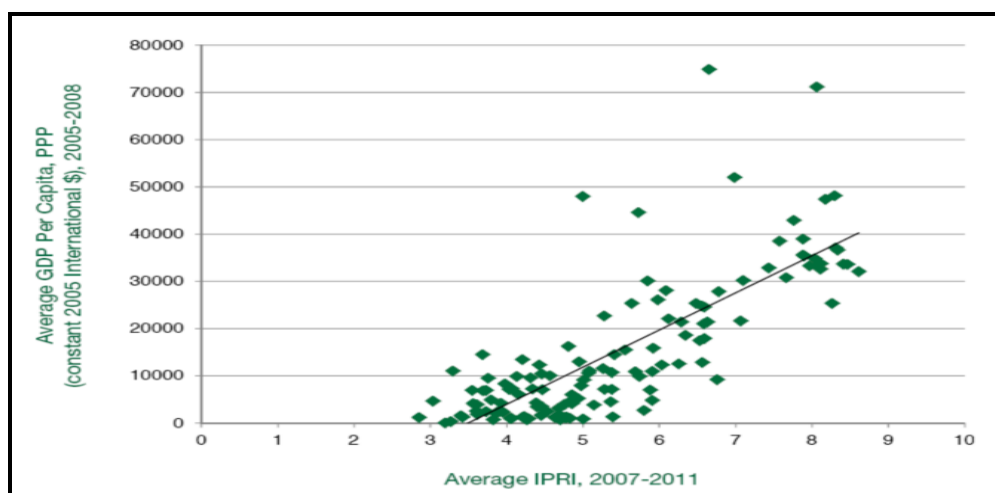
Tornell, A, and A. Velasco, "The Tragedy of Commons and Economic Growth: Why Does Capital Flow From Poor to Rich Countries?", *Journal of Political Economy*, 100(6), 1992, PP. 1208-1231.

۲. برای خلاصه شدن مباحث از بیان تفصیلی هرکدام از مطالعات صرفنظر شده است. برای مطالعه بیشتر در مورد این بخش می‌توانید به مقاله مهم بسلی مراجعه کنید:

Besley, T. "Property Rights and Investment Incentives: Theory and Evidence from Ghana", *Journal of Political Economy*, Vol 103, No 5. <http://www.jstor.org/pss/2138750>, 1995.

حکایت از تأثیر حقوق مالکیت حفاظت شده بر میزان رشد اقتصادی و درآمد در دنیا است. اساس مدل رشدی که آسم اغلو و همکاران ارائه می‌کنند، نهادهای اقتصادی و بالاخص وجود حقوق مالکیت امن در جامعه است. کاون (۲۰۰۳) در مقاله خود به بررسی نقش مالکیت فکری در رشد اقتصادی پرداخته است.^۱ ایچر و همکارش (۲۰۰۸) نیز با طراحی مدل رشد به نتایج مشابهی دست یافتند.^۲ کارهای مشابه فراوان دیگری نیز می‌توان یافت که بر اثر حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی تأکید دارند، البته مطالعه کارهای تجربی نشان می‌دهد که واقعیت اقتصاد بر فروض حاکم بر این مدل‌ها صحه می‌گذارد. نمودار ۲ نشان‌دهنده ارتباط بصری ساده‌ای میان شاخص حقوق مالکیت و میزان درآمد سرانه در میان کشورهای است. این شکل به روشنی ارتباط مثبت میان این دو متغیر را نمایش می‌دهد.

نمودار ۲. ارتباط میان شاخص حقوق مالکیت و متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه



اما علاوه بر تأثیری که حقوق مالکیت بر رشد اقتصادی دارد، تأمین حقوق مالکیت می‌تواند بر بسیاری دیگر از شاخص‌های توسعه اقتصادی همچون نابرابری درآمد مؤثر باشد. برای مثال حیدر و والاسکوئز با مطالعه کشورهای اروپایی دریافتند که حقوق مالکیت تأثیر بسزایی در میزان نابرابری درآمد در میان این کشورها دارد.^۳ گزارش بانک جهانی نیز نشانگر تأثیر حقوق مالکیت بر

1. Yum K. Kwan, Edwin L. -C. Lai (2003), "Intellectual Property Rights Protection and endogenous economic Growth", Journal of Economic Dynamics and Control, Volume 27, Issue 5, March 2003, PP. 853-873.

2. Theo Eicher, Cecilia García-Peñalosa (2008), "Endogenous Strength of Intellectual Property Rights: Implications for Economic Development and Growth", European Economic Review, Volume 52, Issue 2, February 2008, PP. 237-258

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Haidar, J. and Velasquez, M., "property Rights and Income Inequality", [http:// papers. ssrn. com/ sol3 /papers. cfm? Abstract _id=1386923](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?Abstract_id=1386923), 2009.



نابرابری در آمد می‌باشد (Hebbel et al., 1996).^۱

علاوه بر این، تأمین حقوق مالکیت می‌تواند سبب تسریع انباشت دانش به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی شود (see Ganguli, 200; Zerbe, 2005; Murray and Stern, 2007). حقوق مالکیت قادر به تشکیل مهارت در جامعه نیز خواهد بود (See Parello, 2008). علاوه بر این بسیاری از مطالعات وجود دارد که بیانگر تأثیر قابل توجه حقوق مالکیت بر افزایش تولیدات در بخش اختراع است (Lai, 1998; Yang and MASKUS, 2001; Chen and Puttitanun, 2005; Akiyama and Furukawa, 2009).

بنابراین براساس بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده، می‌توان بر این فرضیه صحه گذاشت که تأمین حقوق مالکیت باعث بهبود شرایط توسعه اقتصادی در جامعه خواهد شد.

۳. حقوق مالکیت باید توسط چه کسی تأمین شود؟

تا به اینجا مفهوم حقوق مالکیت را بررسی و بر نقش حیاتی آن در اقتصاد و جامعه تأکید کردیم، اما در اینجا با این سؤال مهم مواجه خواهیم شد که چه نیروهایی شکل خاصی از حق مالکیت را در جامعه اداره می‌کنند؟

برای پاسخ به پرسش درخصوص نهاد حمایت از حقوق مالکیت در جامعه دو نظریه وجود دارد: اول نظریه نظم‌دهی خصوصی^۲ که براساس آن کارفرمایان اقتصادی برای کسب منافع ناشی از مبادله، بدون ارجاع به دولت، حقوق مالکیت را تعریف و از آن حفاظت می‌کنند. دومین نظریه، نظریه تمرکزگرایی قانونی^۳ است؛ به‌موجب این دیدگاه حقوق مالکیت بدون تقویت قانونی برنامه‌ریزی و بدون در نظر گرفتن دولت انحصاری نمی‌تواند وجود داشته باشد (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین دیدگاه‌ها در مورد تأمین کردن حقوق مالکیت نیز در دو حالت حدی قرار گرفته است.

نورث، جوهر حقوق مالکیت را حق انحصار دانسته و بیان می‌کند که برای تعریف و اجرای حقوق مالکیت باید سازمانی وجود داشته باشد که در خشونت، مزیت نسبی داشته باشد. از دیدگاه وی، چنین سازمانی دولت است (صمدی، ۱۳۸۹). برای پاسخ به این پرسش دمستز اشکال رایج مالکیت (اشتراکی، خصوصی، دولتی) را از هم تفکیک می‌کند. مالکیت اشتراکی حقی است که می‌تواند

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Hebbel and Serven and Soliman, "Property Rights and Income Distriburion", the World Bank Research observer, 1996 vol. 11, no. 1. PP. 105- 116.

2. Private-Ordering View

3. Legal- Centralist View

مورد استفاده همه اعضای یک جامعه واقع شود؛ تحت این نوع مالکیت، جامعه اجازه نمی‌دهد دولت یا شهروندی، حقوق یک فرد را از منابع مشترک جامعه مخدوش کند. تحت مالکیت خصوصی، جامعه حقی را برای مالک قائل است که به دیگران حق استفاده از اموال شخص را نمی‌دهد. در مالکیت دولتی، دولت ممکن است هر شخصی را از استفاده از منابع محروم کند. ضعف مالکیت اشتراکی در آن است که هزینه‌هایی که توسط فرد بر روی حق اشتراکی او ایجاد می‌شود در نظر نمی‌گیرد. در نظام اشتراکی، نسل‌های آینده باید سخنگویی به‌عنوان نماینده داشته باشند، اما هیچکس تاکنون هزینه‌های چنین گفتگویی را برآورد نکرده است. روشن است که دیدگاه‌های متفاوتی میان این دو طیف نیز وجود دارد.^۱

اما شاید بهتر باشد که پیش از پاسخ به این پرسش، نیروهای حاکم در جامعه را بشناسیم تا از این طریق قادر به تحلیل این موضع باشیم که این نیروها چگونه برای تأمین حقوق خود در جامعه با یکدیگر تقابل می‌کنند. برای شناخت نیروهای حاکم در جامعه بهتر است از نگرش نهادگرایان بهره ببریم. آسم اغلو و همکاران^۲ بر این باورند که در جامعه دو دسته قدرت وجود دارد که فعل و انفعالات میان این دو دسته قدرت می‌تواند باعث تبیین ساختار سیاسی اقتصادی جامعه شود. یکی قدرت سیاسی رسمی^۳ و دیگری قدرت سیاسی غیررسمی.^۴ قدرت سیاسی رسمی قدرتی است که از نهادهای سیاسی جامعه نشئت می‌گیرد. نهادهای سیاسی همانند نهادهای اقتصادی، با ایجاد محدودیت‌ها سبب شکل‌دهی انگیزه‌های افراد در جامعه می‌شوند، با این تفاوت که این محدودیت‌ها در حوزه سیاسی اجتماع رخ می‌دهند.^۵ به هر حال قدرت سیاسی برای نهادهای سیاسی بیشتر است. یک گروه از افراد، حتی اگر هیچ‌گونه قدرت تفویض شده از طرف نهادهای سیاسی نداشته باشند، چه بسا باز هم دارای قدرت سیاسی باشند. برای مثال، آنان قادرند شورش کنند، از جنگ‌افزار نظامی استفاده کنند، سرباز و جنگجو اجیر کنند، نیروهای نظامی را وادار به همکاری با خود نمایند، یا برای تحمیل خواسته‌هایشان در جامعه از هزینه‌های گزاف اقتصادی برای اعتراض مسالمت‌آمیز استفاده کنند. آسم اغلو این نوع از قدرت سیاسی را به نام قدرت سیاسی «به‌عنوان» قدرت سیاسی

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به صمدی و همکاران، ۱۳۸۹.

2. Acemoglu, Johnson and Robinson

3. De jure Political Power

4. De Facto Political Power

۵. نمونه‌هایی را که برای قدرت سیاسی ذکر می‌کنند، گونه‌های دولت را دربر می‌گیرد، برای مثال دموکراسی در برابر دیکتاتوری و اتوکراسی (حکومت مستقل) و مقدار محدودیت‌های اعمال شده بر سیاستمداران و برگزیدگان سیاسی. برای مثال در یک حکومت سلطنتی، نهادهای سیاسی تمام قدرت سیاسی رسمی را به پادشاه اختصاص می‌دهند. در مقابل، یک سلطنت مشروطه، مجموعه نهادهای سیاسی بخشی از قدرت سیاسی را از پادشاه می‌گیرند و به مجلس تفویض می‌کنند، بنابراین به‌طور تأثیرگذاری قادرند تا بر قدرت سیاسی پادشاه فشار آورند.



غیررسمی» معرفی می‌کند که دارای دو منبع است: اول قدرت سیاسی غیررسمی وابسته به توانایی گروه‌های مورد بحث در حل مسئله کنش جمعی است؛ یعنی توانایی آنها در متقاعد کردن مردم برای انجام کنش جمعی.^۱ دوم قدرت سیاسی غیررسمی یک گروه به منابع اقتصادی آن گروه نیز بستگی دارد. آنها قادر خواهند بود تا در دو مورد از این منابع بهره ببرند، استفاده (یا سوءاستفاده) در برابر نهادهای سیاسی موجود و گزینه دیگر، اجاره نیروهایی برای مقابله با گروه‌های مخالف.^۲ بنابراین براساس الگوی نهادگرایی آسم اغلو می‌توان گفت میزان توزیع قدرت در جامعه زیربنای نحوه تأمین حقوق مالکیت خواهد بود؛ به گونه‌ای که افزایش نیرو در بخش قدرت‌های غیررسمی می‌تواند دولت را به‌عنوان مجری تأمین حقوق مالکیت وادار به برقراری این نظم کرده و در پاره‌ای از موارد نیز قدرت‌های غیررسمی قادرند با وارد کردن فشار به دولت، منجر به تضییع مالکیت در بخشی از جامعه شوند. بنابراین به‌صورت خلاصه می‌توان گفت وجود یا نبود حقوق مالکیت حفاظت شده، ارتباط نزدیکی با میزان و نحوه توزیع قدرت‌های سیاسی در جامعه دارد. هرچند در بسیاری جوامع دولت مجری تأمین این مسئله است، اما قدرت‌های غیررسمی نیز می‌توانند در این مسیر دولت را تحت‌الشعاع نیروی خود قرار داده و بر کیفیت حقوق مالکیت تأثیر گذارند.^۳

۴. اندازه‌گیری حقوق مالکیت

شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی^۴ (IPRI) شاخصی است که کشورهای دنیا را از لحاظ برخورداری از حقوق مالکیت (فیزیکی و فکری) با هم مقایسه می‌کند. در آخرین گزارش ارائه شده از این شاخص - که مربوط به سال ۲۰۱۱ است - وضعیت ۱۲۹ کشور با هم مقایسه شده است. در گزارش این سال برای اولین بار شاخص‌های مربوط به اقتصاد ایران نیز مورد محاسبه قرار گرفته است. این شاخص متشکل از سه دسته از اجزای اساسی زیر است:

۱. برای مثال، دهقانان در قرون وسطی، افرادی بودند که براساس قانون اساسی هیچ‌گونه قدرت سیاسی نداشتند، اما گاهی اوقات قادر بودند مسئله کنش جمعی را حل کرده و در برابر حکمرانان شورش کنند.

۲. چارچوب اصلی این نگرش برگرفته از کتاب آسم اغلو و همکاران می‌باشد، برای مطالعه بیشتر در مورد چارچوب نظری فوق‌الذکر مراجعه کنید به:

Acemoglu, Daron and Robinson Jamesa (2000), "Political Losers as a Barrier to Economic Development", American Economic Review, Vol. 90, No.2.

۳. با توجه به نهادهایی که معرفی شد، روش‌هایی هم برای پاسخ به این سؤال وجود خواهد داشت که چگونه باید از نقض حقوق مالکیت جلوگیری کرد؟ برای مطالعه در این مورد مراجعه کنید به صص ۱۲۹-۱۳۹ کتاب کوتر و یولن، ترجمه دادگر و هزاوه.

4. International Property Rights Index

محیط حقوقی و سیاسی^۱ (LP)، حقوق مالکیت فیزیکی^۲ (PPR) و حقوق مالکیت فکری^۳ گزارش سال ۲۰۱۱ متشکل از ۱۰ متغیر می‌باشد که در میان این سه دسته اصلی از اجزای حقوق مالکیت تقسیم شده‌اند. محیط حقوقی و سیاسی، خود شامل چهار زیرمجموعه است: اولین متغیر، شاخص استقلال قضایی^۴ است که به نمایش میزان آزادی دستگاه قضایی از تأثیر گروه‌های تجاری و سیاسی در جامعه می‌پردازد.^۵ دومین شاخص معروف به حاکمیت قانون^۶ است. این متغیر میزان اعتماد به اعمال قوانین در اجتماع را اندازه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر این متغیر کیفیت انجام قراردادهای، پلیس و دادگاه را در برابر جرم و خشونت نمایش می‌دهد. این متغیر از شاخص‌های متعددی همچون اعتماد، اجرا، سرعت، کیفیت آغاز کنترل مالی^۷ نظام قضایی و حفاظت حقوق مالکیت خصوصی به دست می‌آید.^۸ سومین شاخص، بیانگر ثبات سیاسی^۹ است. درجه ثبات سیاسی بر انگیزه افراد برای به دست آوردن یا بسط مالکیت و یا مدیریت دارایی‌ها اثر خواهد داشت. بی‌ثباتی بیشتر در دولت‌ها قاعدتاً سبب کاهش در انگیزه افراد برای مالکیت فردی خواهد شد. چهارمین مورد از متغیرها نیز که برای اندازه‌گیری محیط حقوقی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص فساد^{۱۰} است.

دسته دوم از متغیرها دربرگیرنده حقوق مالکیت فیزیکی هستند. برای اندازه‌گیری حقوق مالکیت فیزیکی نیز از سه دسته از شاخص‌ها استفاده شده است. اولین دسته که مستقیماً به اندازه‌گیری میزان قدرت نظام، حقوق مالکیت کشورها می‌پردازد و به کیفیت دستگاه قضایی در برابر حفاظت از مالکیت خصوصی می‌پردازد. دومین شاخص مربوط به ثبت دارایی‌هاست.^{۱۱} این متغیر تعداد روزها و فرآیند لازم برای ثبت دارایی‌ها را در هر کشور اندازه‌گیری می‌کند. براساس اطلاعات مربوط به این متغیر می‌توان فرآیند لازم برای انتقال یک دارایی (زمین یا ساختمان) از فروشنده به خریدار را استنباط کرد. سومین دسته از متغیرها به اندازه‌گیری میزان دسترسی به وام^{۱۲} می‌پردازد. این متغیر می‌تواند یک از شاخص‌های مهم اندازه‌گیری حقوق مالکیت باشد زیرا میزان دسترسی به وام بدون اعطای وثیقه به عنوان یک جایگزین برای سطح توسعه نهادهای مالی

1. Legal and Political Environment

2. Physical Property Rights

3. Intellectual Property Rights

4. Judicial Independence

5. Source: World Economic Forum's 2010-2011 Global Competitiveness Index

6. Rule of Law

7. Affordability

8. Source: World Bank Institute's 2010 Governance Matters

9. Political Stability

10. Corruption

11. Registering Property

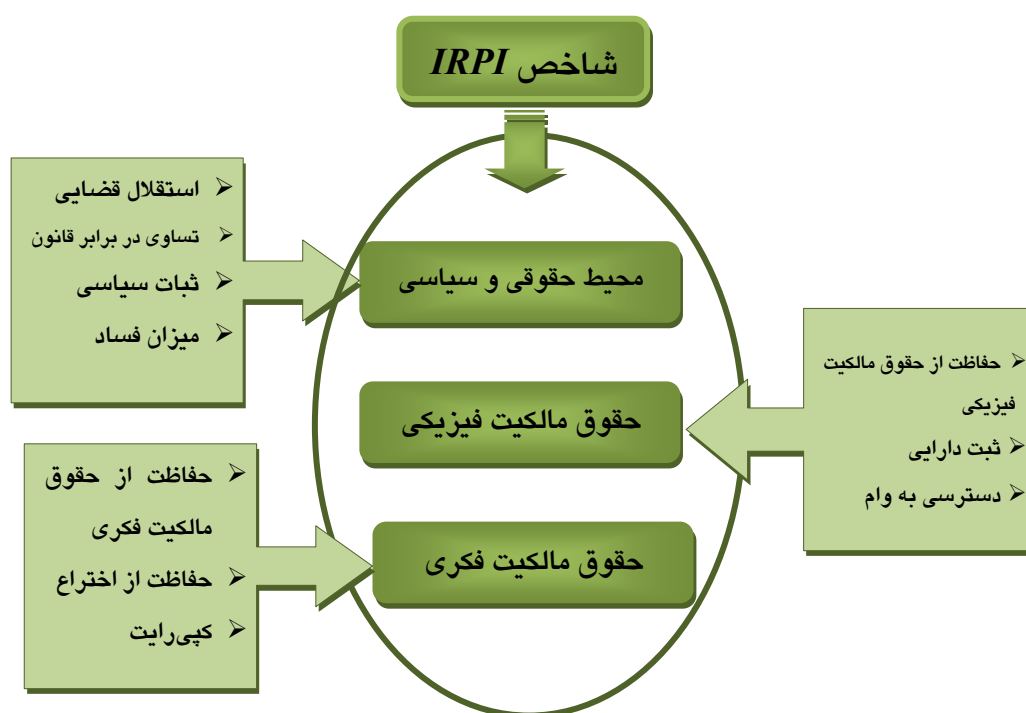
12. Access to Loans



محسوب می‌شود. نهادهای مالی نقشی حیاتی در تأمین حقوق مالکیت در بخش رسمی اقتصاد کشورها ایفا می‌کنند.

اما آخرین گروه از متغیرها به اندازه‌گیری میزان حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌پردازد. این دسته نیز خود، شامل سه زیرگروه مختلف است: اولین گروه مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت فکری است. این متغیر میزان حفاظت‌های ایجاد شده توسط قانون را برای مالکیت فکری اندازه‌گیری می‌کند. دومین متغیر مربوط به حفاظت از اختراع^۱ است که شامل پنج مورد شمول^۲، عضویت در تعهدات بین‌المللی^۳، محدودیت حقوق ثبت اختراع، انجام و مدت‌زمان حفاظت مربوط می‌شود. آخرین مورد از دسته سوم شاخص‌ها شامل کپی‌رایت^۴ می‌باشد. این اطلاعات شامل اندازه‌گیری میزان محافظت‌های قانونی برای سطوح حفاظت از کپی‌رایت که شامل نرم‌افزارهای تجاری و آثار هنری می‌شود. شکل زیر به صورت خلاصه شمای کلی شاخص IRPI را نمایش می‌دهد.

نمودار ۳. متغیرهای تشکیل‌دهنده شاخص IRPI



1. Patent Protection
2. Coverage
3. Membership in International Treaties
4. Copyright Piracy

برای رتبه‌بندی کلی IRPI، نمره‌ای از ۰ تا ۱۰ به هر کشور داده می‌شود. به‌گونه‌ای که نمره ۱۰ نشان‌دهنده بیشترین حمایت از حقوق مالکیت و صفر نشان‌دهنده کمترین حمایت از حقوق مالکیت می‌باشد. برای هرکدام از شاخص‌ها (محیط حقوقی و سیاسی، حقوق مالکیت فیزیکی و حقوق مالکیت فکری) نیز همین روند انجام می‌شود. به‌گونه‌ای که برای هر کدام از سه دسته، متغیرهای متشکل آنها به‌صورت میانگین محاسبه شده و نمره نهایی برای هر شاخص را نمایش می‌دهد. در انتها نیز برای محاسبه شاخص کلی حقوق مالکیت از این سه دسته میانگین گرفته خواهد شد. برای نرمال‌سازی متغیرها بین نمره‌های صفر تا ده از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$\left\{ \frac{X_{max} - X_i}{X_{max} - X_{min}} \right\} * 10$$

که در این معادله X_i نشانگر ارزش فردی هر کشور بوده و X_{max} و X_{min} نیز به ترتیب نشانگر بیشترین و کمترین مقدار از متغیر در نمونه مورد نظر است. محاسبه کلی این شاخص نتایج کلی زیر را دربر داشت، به‌گونه‌ای که شاخص محاسبه شده برای حقوق مالکیت دربرگیرنده بازه‌ای بین ۳/۴ الی ۸/۵ بود. در مورد سه دسته دیگر از شاخص‌ها نیز اطلاعات آماری مربوطه در جدول ۱ قابل مشاهده است. با توجه به جدول می‌توان دریافت که در بین سه شاخص تشکیل‌دهنده حقوق مالکیت، حقوق مالکیت فیزیکی بیشترین مقدار میانگین را دارا بوده است. در این بین بیشترین تورش در بین کشورها در شاخص مربوط به محیط سیاسی و حقوق با انحراف معیار ۱/۸ وجود داشته است.

جدول ۱. نشانگرهای آماری مربوط به شاخص‌های حقوق مالکیت

عنوان	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شاخص کلی حقوق مالکیت	۵/۶	۵/۳	۱/۴	۳/۴	۸/۵
محیط حقوقی و سیاسی	۵/۳	۴/۹	۱/۸	۲/۱	۸/۸
حقوق مالکیت فیزیکی	۶/۲	۶/۱	۱	۴/۳	۸/۳
حقوق مالکیت فکری	۵/۴	۵/۱	۱/۶	۲/۳	۸/۵

اما مطالعه هرکدام از شاخص‌ها نیز می‌تواند اطلاعات مفیدی را برای ما فراهم آورد. جدول ۲ نشانگر ده کشور ابتدایی و ده کشور انتهایی در قسمت شاخص کلی حقوق مالکیت می‌باشد.



جدول ۲. رده‌بندی کشورها براساس شاخص حقوق مالکیت

ده کشور اول جدول	سوئد (۸/۵)	فنلاند (۸/۵)	سنگاپور (۸/۳)	لوکزامبورگ (۸/۲)	نیوزلند (۸/۲)	نروژ (۸/۲)	سوئیس (۸/۲)	دانمارک (۸/۱)	هلند (۸)	کانادا (۸)
ده کشور آخر جدول	بولیوی (۳/۹)	مولداوی (۳/۹)	نیجریه (۳/۹)	کوت دواور* (۳/۷)	لیبی (۳/۷)	آنگولا (۳/۶)	بنگلادش (۳/۶)	بروندی (۳/۶)	زیمبابوه (۳/۵)	ونزوئلا (۳/۴)

* ساحل عاج، Cote D'Ivoire.

با توجه به جدول می‌توان دریافت که کشورهای سوئد و فنلاند با نمره ۸/۵ در جایگاه اول و کشور ونزوئلا با نمره ۳/۴ در جایگاه انتهایی این جدول قرار دارند. در پنج سال انتهایی فنلاند علیرغم نزولی که در سال انتهایی داشت، دارای بیشترین امتیاز یعنی ۸/۶ از ده بوده است. در میان سایر کشورهای اسکاندیناوی، نروژ با امتیاز ۸/۲ در جایگاه چهارم و دانمارک با امتیاز ۸/۱ در جایگاه هشتم قرار گرفته است. در میان کشورهای آسیایی و اقیانوسیه، سنگاپور با کسب نمره ۸/۳ در جایگاه اول قرار گرفته است و پس از آن کشورهای نیوزلند و استرالیا به ترتیب با امتیازهای ۸/۲ و ۸/۲ قرار دارند. در اروپای غربی بیشترین امتیاز از آن لوکزامبورگ و سوئیس با امتیاز ۸/۲ و هلند با امتیاز ۸ می‌باشد. در انتهای جدول نیز بعد از ونزوئلا، کشورهای زیمبابوه، بروندی و بنگلادش قرار دارند. در این قسمت کشورهایی وجود داشتند که توانستند در سال ۲۰۱۱ سیر صعودی بالایی را طی کنند. در میان کشورهای مورد مطالعه کشور برونی با افزایش ۱/۴ نمره در شاخص حقوق مالکیت بالاترین افزایش را در مقدار شاخص کل داشته است. در قسمت پایین جدول نیز، کشور ایسلند با کاهش ۰/۶ در نمره شاخص IRPI بیشترین کاهش را در میان کشورهای مورد مطالعه تجربه کرده است. جدول ۳ نشانگر ده کشور بالا و پایین رده‌بندی در مورد میزان تغییر ایجاد شده در شاخص کلی حقوق مالکیت آنها می‌باشد.

جدول ۳. رده‌بندی کشورها براساس تغییرات شاخص حقوق مالکیت

ده کشور اول جدول	برونئی (۱/۴)	اندونزی (۰/۹)	چاد (۰/۸)	کویانا (۰/۷)	مونتنگرو (۰/۷)	بنگلادش (۰/۷)	بنین (۰/۷)	اوگاندا (۰/۷)	لهستان (۰/۷)	مقدونیه (۰/۶)
ده کشور آخر جدول	آفریقای جنوبی (-۰/۲)	استرالیا (-۰/۳)	اسپانیا (-۰/۳)	ایرلند (-۰/۴)	هلند (-۰/۴)	دانمارک (-۰/۴)	آمریکا (-۰/۴)	مولداوی (-۰/۵)	کره جنوبی (-۰/۵)	ایسلند (-۰/۶)

مسئله دیگر آن است که هرکدام از سه بخش تشکیل‌دهنده IRPI چگونه در میان کشورها توزیع شده‌اند. در مورد محیط حقوقی و سیاسی، کشور فنلاند جایگاه اول را در میان ۱۲۹ کشور در اختیار دارد. کشورهای نیوزلند و سوئد نیز با امتیازهای مشابه با فنلاند در کنار آن قرار گرفته‌اند. در انتهای رده‌بندی کشورها براساس شاخص محیط سیاسی و حقوقی زیمبابوه و ونزوئلا قرار گرفته‌اند.

جدول ۴. رده‌بندی کشورها براساس شاخص محیط حقوقی و سیاسی

ده کشور اول جدول	فنلاند (۸/۸)	نیوزلند (۸/۸)	سوئد (۸/۸)	دانمارک (۸/۷)	لوکزامبورگ (۸/۵)	نروژ (۸/۵)	سوئیس (۸/۵)	کانادا (۸/۴)	هلند (۸/۴)	استرالیا (۸/۳)
ده کشور آخر جدول	اکوادور (۳)	کنیا (۳)	نیجریه (۲/۹)	پاراگوئه (۲/۹)	پاکستان (۲/۸)	بروندی (۲/۶)	چاد (۲/۴)	کوت دواور (۲/۴)	ونزوئلا (۲/۳)	زیمبابوه (۲/۱)

در مورد کشورهای که توانسته‌اند بیشترین پیشرفت را در بهبود شاخص محیط حقوقی و سیاسی به دست آورند، کشور چاد با افزایش ۰/۸ نمره توانسته است در صدر قرار گیرد. از سوی دیگر جالب توجه بوده است که کشور آمریکا با کاهش ۰/۴ نمره، بالاترین پسرفت را در بین کشورهای مورد مطالعه داشته است.

جدول ۵. رده‌بندی کشورها براساس تغییرات شاخص محیط حقوقی و سیاسی

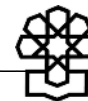
ده کشور اول جدول	چاد (۰/۸)	برونئی (۰/۷)	لهستان (۰/۷)	آلبانی (۰/۷)	کوت دواور (۰/۷)	قطر (۰/۷)	ترینیداد و توباگو (۰/۶)	شیلی (۰/۵)	مونتنگرو (۰/۵)	اندونزی (۰/۵)
ده کشور آخر جدول	یونان (-۰/۲)	اوکراین (-۰/۲)	ایسلند (-۰/۲)	آلمان (-۰/۲)	ماداگاسکار (-۰/۳)	مالی (-۰/۳)	پرتغال (-۰/۳)	لیبی (-۰/۳)	استرالیا (-۰/۳)	آمریکا (-۰/۴)

در شاخص حقوق مالکیت فیزیکی نیز کشور فنلاند در کنار نروژ و سنگاپور در صدر جدول قرار گرفته است و در انتهای این جدول نیز کشورهای لیبی و ونزوئلا و اوکراین قرار دارند. نکته جالب توجه در این بخش، امتیاز بالایی است که کشورهای عربی دارند. با توجه به جدول کشورهای عربستان، بحرین، عمان و امارات متحده عربی در بین ده کشور اول این رده‌بندی قرار گرفته‌اند (امارات نیز همانند سوئیس امتیاز ۷/۸ را کسب کرده است).

جدول ۶. رده‌بندی کشورها براساس شاخص حقوق مالکیت فیزیکی

ده کشور اول جدول	فنلاند (۸/۳)	نروژ (۸/۳)	سنگاپور (۸/۳)	سوئد (۸/۲)	بحرین (۸/۱)	هنگ‌کنگ (۷/۹)	لوکزامبورگ (۷/۹)	عربستان (۷/۹)	عمان (۷/۸)	سوئیس (۷/۸)
ده کشور آخر جدول	زیمبابوه (۴/۹)	بروندی (۴/۸)	اسلونی (۴/۷)	نیجریه (۴/۶)	آنغولا (۴/۵)	بنگلادش (۴/۵)	بولیوی (۴/۵)	اوکراین (۴/۴)	ونزوئلا (۴/۴)	لیبی (۴/۳)

در قسمت تغییرات صورت گرفته در میان شاخص حقوق مالکیت فیزیکی در میان کشورهای مورد مطالعه کشور برونئی با پیشرفت ۲/۴ نمره‌ای بالاترین صعود را داشت و کشور ایسلند با کاهش ۱/۳ نمره‌ای در شاخص مورد نظر بیشترین نزول را تجربه کرد.



جدول ۷. رده‌بندی کشورها براساس تغییرات شاخص حقوق مالکیت فیزیکی

ده کشور اول جدول	برونئی (۲/۴)	بنین (۱/۵)	اندونزی (۱/۲)	اوگاندا (۱/۲)	الجزایر (۱/۱)	بورکینافاسو (۱)	اتیوپی (۰/۸)	سنگال (۰/۸)	موریس (۰/۸)	اکوادور (۰/۸)
ده کشور آخر جدول	نیوزلند (-۰/۵)	انگلستان (-۰/۵)	لتونی (-۰/۵)	لیتوانی (-۰/۶)	آمریکا (-۰/۷)	هلند (-۱)	دانمارک (-۱)	کره جنوبی (-۱/۱)	ایرلند (-۱/۱)	ایسلند (-۱/۳)

در بخش حقوق مالکیت فکری نیز کشور فنلاند در رتبه اول قرار گرفته است. در بین کشورهای انتهایی جدول نیز مولداوی، گرجستان و ارمنستان در انتهای رده‌بندی قرار دارند. در این بخش جالب آن است که اغلب کشورهای استقلال‌یافته از جماهیر شوروی سابق دارای امتیاز بسیار پایینی بوده و در رده‌های انتهایی مجموعه کشورها قرار گرفته‌اند.

جدول ۸. رده‌بندی کشورها براساس شاخص حقوق مالکیت فکری

ده کشور اول جدول	فنلاند (۸/۵)	سوئد (۸/۵)	آمریکا (۸/۴)	دانمارک (۸/۳)	لوکزامبورگ (۸/۳)	سنگاپور (۸/۳)	سوئیس (۸/۳)	ژاپن (۸/۲)	هلند (۸/۲)	استرالیا (۸/۱)
ده کشور آخر جدول	لبنان (۳/۳)	آذربایجان (۳/۲)	قزاقستان (۳/۲)	صربستان (۳/۲)	آنغولا (۳/۱)	بنگلادش (۲/۸)	لیبی (۲/۶)	ارمنستان (۲/۵)	گرجستان (۲/۳)	مولداوی (۲/۳)

اما تغییرات این شاخص نیز در سال ۲۰۱۱ جالب توجه بوده است. در میان کشورهای مورد مطالعه کشور گویانا با رشد ۱/۳ و برونئی با رشد ۱/۲ نمره‌ای در شاخص حقوق مالکیت فکری دارای بیشترین پیشرفت در این شاخص بوده و کشور مولداوی با کاهش ۱/۸ نمره‌ای در این شاخص بیشترین نزول را در میان کشورهای مورد مطالعه داشته است. در این بخش وجود کویت در میان کشورهایی که توانسته‌اند بیشترین تغییر در شاخص مالکیت فکری خود ایجاد کنند جالب توجه می‌باشد.

جدول ۹. رده‌بندی کشورها براساس تغییرات شاخص حقوق مالکیت فکری

ده کشور اول جدول	گویانا (۱/۳)	برونئی (۱/۲)	مونتنگرو (۱/۲)	مالاوی (۱)	آلبانی (۱)	کویت (۱)	تانزانیا (۰/۹)	پرو (۰/۸)	مقدونیه (۰/۸)	هنگ کنگ (۰/۸)
ده کشور آخر جدول	ژاپن (-۰/۱)	آلمان (-۰/۱)	ایتالیا (-۰/۲)	کره جنوبی (-۰/۲)	استرالیا (-۰/۲)	دانمارک (-۰/۲)	اسپانیا (-۰/۳)	رومانی (-۰/۴)	ایسلند (-۰/۴)	مولداوی (-۱/۸)

اما نوع دیگر از نگرش وجود دارد که به اندازه‌گیری شاخصی تعدیل‌یافته از IPRI می‌پردازد، به‌گونه‌ای که این شاخص به اهمیت نقش زنان در جامعه تأکید دارد. به اعتقاد محاسبه‌کنندگان این شاخص، زنان نقش کلیدی در اقتصاد جوامع توسعه‌یافته ایفا می‌کنند، اما حقوق مالکیت آنها اغلب

به وسیله قوانین یا سنن حاکم در جامعه نادیده گرفته می‌شود. از این رو در این بخش بر روی اهمیت برابری جنسیت تأکید می‌کنیم. برای محاسبه برابری جنسیتی محاسبه استاندارد شاخص IPRI را بسط داده و یک ضریب GE برای برابری جنسیتی حقوق مالکیت نیز به معادله اضافه می‌کنیم.

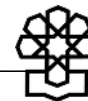
$$IPRI (GE) = IPRI + 0.2 \times GE$$

مقدار وزن ۰/۲ در اینجا به صورت اختیاری داده شده است.^۱ ساختار متغیر GE براساس پنج شاخص اندازه‌گیری می‌شود. سه شاخص اول به ترتیب «دسترسی زنان به زمین»، «دسترسی زنان به وام (اعتبار)»^۲ و «دسترسی زنان به سایر دارایی‌ها بجز زمین» می‌باشد. این سه متغیر از این جهت در شاخص GE قرار دارند که این متغیرها بیانگر کیفیت حقوق مالکیت زنان از سه جنبه هستند: دسترسی زنان به وام‌های بانکی، دسترسی آنها برای به دست آوردن مالکیت زمین و حقوق آنها برای مالکیت سایر دارایی‌ها بجز زمین. شاخص بعدی «پرداخت ارث»^۳ است. این شاخص کشورها را براساس قوانین حمایتی که برای مردان و زنان در ارث بردن اتخاذ می‌کنند، رتبه‌بندی می‌کند. به گونه‌ای که هرچه میزان ارث بردن زنان و مردان به حالت تساوی نزدیک‌تر باشد، کشور رتبه بهتری را در مقایسه با سایرین کسب خواهد کرد. آخرین شاخص نیز «حقوق اجتماعی زنان»^۴ می‌باشد. این متغیر شامل تمام حقوق اجتماعی زنان از جمله توانایی کفالت،^۵ عقیم‌سازی زنان، آزادی جنبش‌ها و نسبت باسواد بودن زنان به مردان می‌باشد.

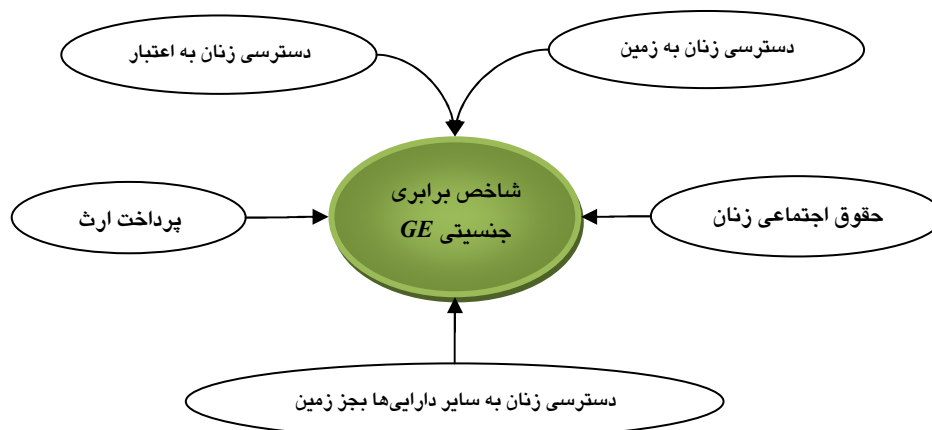
روش محاسبه شاخص GE همانند روش محاسبه شاخص IPRI می‌باشد. نمره نهایی GE یک شاخص متوسط از متغیرهاست که بین صفر تا ده قرار خواهد داشت. مقدار صفر بیان می‌کند که تمایز کامل بین زنان و مردان در جامعه مورد نظر وجود دارد در حالی که امتیازهای بالا به معنای کشور توسعه‌یافته و وجود تساوی حقوق مردان و زنان خواهد بود. تمام چهار متغیر دیگر را نیز به همین صورت نرمال می‌شوند. در نتیجه شاخص نهایی IPRI (GE) عددی بین صفر و ۱۲ خواهد بود. نمودار ۴ نشان‌دهنده شمای کلی شاخص‌های تشکیل‌دهنده GE می‌باشد.

۱. این وزن اغلب بین ۰/۱ تا ۰/۵ داده می‌شود، اما لازم به توضیح است که نتایج برای وزن‌های مختلف تا حد زیادی مشابه هستند.

2. Credit
3. Inheritance Practices
4. Women's Social Rights
5. Parental Authority



نمودار ۴. متغیرهای تشکیل‌دهنده شاخص GE



با محاسبه شاخص حقوق مالکیت و با در نظر گرفتن تعدیلات مربوط به جنسیت، می‌توان مشاهده کرد که کشور سنگاپور با کسب نمره ۱۰/۳ توانسته است در رتبه اول رده‌بندی قرار گرفته و به دنبال آن کشورهای هنگ‌کنگ، تایوان و شیلی قرار بگیرند. در دسته پایین جدول نیز کشور زیمبابوه با امتیاز ۴/۴ کمترین امتیاز را در این شاخص کسب کرده است.

جدول ۱۰. رده‌بندی کشورها براساس شاخص IPRI (GE)

ده کشور اول جدول	سنگاپور (۱۰/۳)	هنگ کنگ (۹/۸)	تایوان (۸/۹)	شیلی (۸/۴)	امارات (۸/۴)	موریس (۸/۳)	اورگوئه (۸/۱)	بحرین (۷/۹)	کاستاریکا (۷/۹)	عمان (۷/۹)
ده کشور آخر جدول	پاکستان (۵/۱)	کامرون (۵)	نیجریه (۵)	برونئی (۴/۷)	لیبی (۴/۷)	کوتدوایر (۴/۷)	آنگولا (۴/۷)	بنگلادش (۴/۶)	چاد (۴/۴)	زیمبابوه (۴/۴)

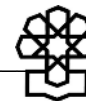
اما شاید جالب باشد که رده‌بندی کشورها براساس شاخص برابری جنسیتی GE نیز مشاهده کنیم. جدول ۱۱ نشانگر این رده‌بندی برای ده کشور ابتدایی و ده کشور انتهایی جدول است. با توجه به جدول کشورهای اروگوئه، برزیل، آرژانتین، بوسنی، گرجستان، هنگ‌کنگ، ویتنام، اوکراین، کاستاریکا، قزاقستان، روسیه، ارمنستان، ونزوئلا، مولداوی، کرواسی، پاراگوئه، تایلند، سنگاپور، موریس، چین و پاناما توانسته‌اند نمره کامل ۱۰ را کسب کنند و به‌عنوان بالاترین کشورها از لحاظ برابری حقوق مردان و زنان معرفی شوند. در مقابل کشور چاد با امتیاز پایین ۲/۱ نابرابرترین کشور از لحاظ حقوق زنان و مردان است. در میان کشورهای پایین جدول، بجز کشورهای آفریقایی، حضور کشور عربستان نیز جالب توجه است.

جدول ۱۱. رده‌بندی کشورها براساس شاخص GE

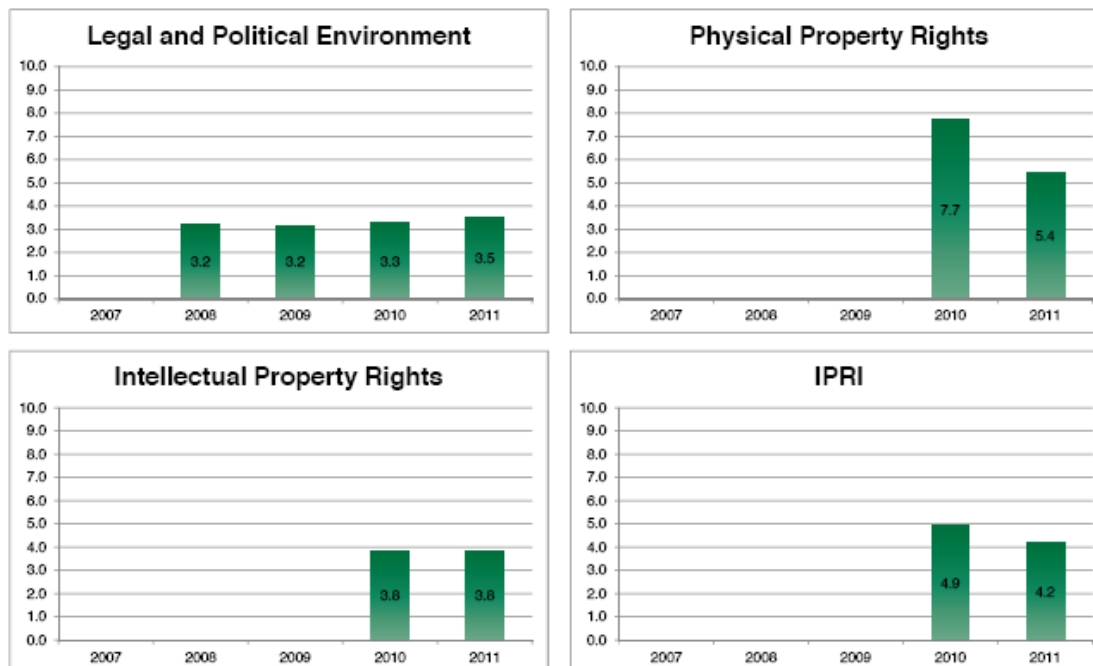
ده کشور اول جدول	اروگوئه (۱۰/۳)	برزیل (۹/۸)	آرژانتین (۸/۹)	بوسنی (۸/۴)	گرجستان (۸/۴)	هنگ‌کنگ (۸/۳)	ویتنام (۸/۱)	اوکراین (۷/۹)	کاستاریکا (۷/۹)	قزاقستان (۷/۹)
ده کشور آخر جدول	رواندا (۴/۷)	عربستان (۴/۶)	زیمبابوه (۴/۴)	کنیا (۴/۴)	اوگاندا (۴/۴)	موزامبیک (۴/۳)	کامرون (۴/۲)	بنین (۴/۲)	زامبیا (۳/۴)	چاد (۲/۱)

مقایسه شاخص‌های حقوق مالکیت در ایران با سایر کشورهای دنیا، حکایت از سطح نازل تضمین حقوق مالکیت در ایران دارد. با توجه به آنکه آمار ایران در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار به IPRI گزارش شد نمی‌توان سیر تحول آمار را بررسی نمود و تنها باید به مطالعه آمار و اطلاعات سال‌های اخیر اکتفا کرد. در گزارش سال ۲۰۱۱ کشور ایران در میان ۱۲۹ کشور با به‌دست آوردن نمره ۴/۲ رتبه ۱۰۹ را در شاخص حقوق مالکیت به‌دست آورده است. این در حالی بود که مقایسه این مقدار با امتیاز ایران در سال ۲۰۱۰ می‌توان مشاهده کرد که شاخص حقوق مالکیت کاهش ۰/۷ را تجربه کرده است. در میان سه شاخص عمده حقوق مالکیت، حقوق مالکیت فیزیکی ضعیف‌ترین شاخص است به طوری که این شاخص با نمره بسیار اندک ۰/۲ در بخش ثبات سیاسی همراه بود. حاکمیت قانون و کنترل فساد نیز با نمره‌های ۳/۲ و ۳/۳ دارای مقادیر اندکی بوده و نیازمند توجه بیشتر از سوی مسئولین است.^۱ شاخص مربوط به حقوق مالکیت فیزیکی با نمره ۵/۴ قوی‌ترین شاخص در بین سه مورد شاخص‌های حقوق مالکیت برای ایران است این در حالی است که این شاخص نسبت به سال قبل کاهش بالای ۲/۳ را تجربه کرده است. بخش حقوق مالکیت فکری در ایران چندان قدرتمند نیست به گونه‌ای که کسب نمره ۳/۷ در حمایت از مالکیت فکری نشانی از این مدعاست.^۲ نمودار ۵ نشانگر سیر شاخص حقوق مالکیت و سه متغیر اساسی تشکیل‌دهنده آن برای ایران در طی سال‌هایی است که آمار متغیرها در ایران محاسبه شده‌اند.

۱. در مورد شاخص فساد در گزارش سال ۲۰۱۰ سازمان شفافیت بین‌المللی ایران با امتیاز ۲/۲ رتبه ۱۴۶ را به همراه کامرون، هائیتی، لیبی، پاراگوئه و یمن در میان ۱۷۸ کشور مورد مطالعه کسب کرده است. در این رده‌بندی سومالی با امتیاز ۱/۱ کمترین و کشورهای دانمارک، نیوزلند و سنگاپور با امتیاز ۹/۳ بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند.
 ۲. این درحالی است که آمار و اطلاعات مربوط به بخش چاپ و نشر برای ایران در دسترس نبوده است.

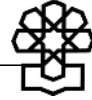


نمودار ۵. متغیرهای تشکیل‌دهنده شاخص IPRI برای ایران



منابع و مأخذ

۱. باقری، سیدکامران، مریم توکل‌مقدم، سعید شوال‌پور و حمید عزیزمرادپور. حفاظت از اختراعات نرم‌افزاری در ایران، فصلنامه علم و فناوری، سال سوم، ش ۲، ۱۳۸۹.
۲. تفضلی، فریدون. راز سرمایه، تألیف هراندو دوسوتو، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵.
۳. حبیبیا، سعید و غلامحسین معتمدی. حمایت از دانش سنتی به‌عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۲، ۱۳۸۵.
۴. حکمت‌نیا، محمود. بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۳، ۱۳۸۸.
۵. دادگر، یدالله. مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، ۱۳۸۹.
۶. رجبی، محمد کاظم، حقوق مالکیت و راهبردهای تثبیت آن، مجله معرفت، ۱۳۸۱، شماره ۵۳.
۷. دمستز، هرولد، به سوی یک تئوری در حقوق مالکیت، ترجمه محسن زمانی، فصلنامه تأمین اجتماعی، ش ۱۰، ۱۳۸۰.
۸. زارعی دولت‌آبادی، علی‌رضا. حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای یارانه‌ای، نشریه تکفا، سال پنجم، ش اول، ۱۳۸۶.
۹. شریف‌زاده، محمدجواد و نادران، الیاس، تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت در اسلام (با تأکید بر مفهوم هزینه‌های مبادله)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۳۶، ص ۳۱-۵.
۱۰. صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، مکتبه‌الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۵.
۱۱. صمدی، علی‌حسین. جایگاه حقوق مالکیت در اندیشه‌ها و مکاتب اقتصادی (با تأکید بر دیدگاه نهادگرایان جدید)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۳، ۱۳۸۹.
۱۲. صمدی، علی‌حسین، محسن رنانی و رحیم دلالی‌اصفهانی. مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مقالات موضوعی، دوره ۴۰، ش ۱۰۱، ۱۳۸۹.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. فاضل لنکرانی، محمدجواد و موحدی، محمد، القواعدالفقهیه، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، ۱۳۸۳، قم.
۱۵. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصاد اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
۱۶. معینی، محمدرضا. نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، تألیف داگلاس نورث، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. مهدوی، ابوالقاسم و سجاد برخورداری. حقوق مالکیت فکری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مورد ایران)، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، ش ۲۴، ۱۳۸۷.
۱۸. یوسفی، محمدقلی. حقوق مالکیت عامل کلیدی توسعه اقتصادی، اقتصاد و جامعه، سال سوم، ش یازدهم، ۱۳۸۶.
19. "International Property Rights Index", a Project of the Property Rights Alliance, 2011.
20. Braidwood, R. and G. Willey (eds.) Courses Toward Urban Life: Archaeological Considerations and Some Cultural Alternative, Chicago: Aldine, 1962.
21. Demsetz, H. Towards a theory of property rights. American Economic Review,



- Papers and Proceedings, 57(2), 1967.
22. Furubotn, E. G., & Richter, R. *Institutions and Economic Theory: The Contribution of the New Institutional Economics*. Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press, 2000.
 23. Jaffe, A. J., & Louziotis, D., Jr. Property rights and Economic efficiency: A survey of institutional factors. *Journal of Real Estate Literature*, 4, 1996.
 24. Kaufman, B. E. "The organization of economic activity: insights from the institutional theory of John. R. ommons", *Journal of Economic Behavior & Organization*, 52: 2003.
 25. Libecap, G. D." Property rights in economic history: Implications for research" *Explorations in Economic History*, 23(3), 1986.
 26. Posner, R." *Economic analysis of law*" Boston, MS: Little Brown, 1973.
 27. Reeve, A. *Property*, London: Macmillan, 1986.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۲۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مقدمه‌ای بر چارچوب مفهومی حقوق مالکیت از منظر اقتصادی

نام دفتر: مطالعات محیط کسب‌وکار

تهیه و تدوین: حسن دلیری

ناظران علمی: احمد مرکزالمیری، سیدمحمدرضا حسینی

همکار: موسی شهبازی غیاثی

مقتضی: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق مالکیت

۲. حقوق و اقتصاد

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۸/۱۰